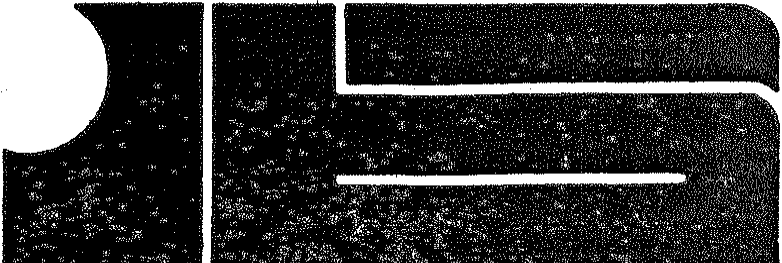


با تمام توان خود ماهیت
ارتجاعی جنگ را افشا، و با
مقاومت مسلحانه خود از منافع
زحمتکشان دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۸۱

پنجشنبه اول آبانماه ۱۳۵۹

۲۲ صفحه با ضمیمه - ۲۰ ریال

★ سرمقاله

”جنگ و مسئله
جنبش مقاومت
مسلحانه توده‌ای“

یکی از عواملی که در محاسبه و ارزیابی
اوضاع جنگ دارای نقش اساسی است،
علاجه جنبش مقاومت مسلحانه توده‌ای
است که اگر بصورت یک جریان قوی و نیرومند
وجود می‌داشت، مسلماً در آینده جنگ به
یک عامل قطعی و تعیین‌کننده بدل می‌شد
هنگامی که تعرض سراسری ارتش عراق
آغاز شد، واقعیت نشان داد که بویژه در
منطقه خوزستان نمیتوان در کوتاه مدت
انتظار رسیدن آمدن یک جنبش مقاومست
مسلحانه سراسری و نیرومند توده‌ای را
داشت.

تمامی گزارشات و شواهد و قرائن عینی
حاکی از آن است که هم‌اکنون نیز در
مناطق کوه توسط ارتش عراق اشغال شده
و با در محاصره نظامی قرار گرفته است،
هیچ جنبش مقاومت توده‌ای نیرومندی
شکل نگرفته است. از همان آغاز جنگ و
تهاجم وسیع ارتش عراق، توده‌های
مناطق مذکور، بتدریج، گروه گروه از
منطقه خارج شده و بمنطق دیگر مهاجرت
کرده‌اند. علت بروز این پدیده منفی و
خطرناک چیست؟ چرا پس از آنکه آتش
جنگ در گرفت، توده‌های مردم بجای
دفاع انقلابی از منافع اساسی خود در مقابل
تجاوز ارتش عراق، دسته دسته بشهرهای
محاورینا هنده شده و میشوند؟ علت رشد
عینی این پدیده که عواقب زیانباری
برای جنبش طبقه کارگر و کل جنبش
دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق‌های
بقیه در صفحه ۲

چرا دولت حقایق را به مردم
نمی‌گوید؟

واقعیتی است انکارناپذیر که
تمامی دولت‌های سرمایه‌داری،
دولتهایی که بتوده‌های زحمتکش
اعتقاد و اعتمادی ندارند،
دولتهایی که در برابر منافع
اکثریت عظیم جامعه از منافع
اقلیتی محدود دفاع می‌کنند و
سیاستهای خود را بر پایه دروغ،
فریب توده‌ها و گمراه کردن آنها
بنامی نهند، از آگاه شدن مردم
در هر اسناد، اما دولتهایی که
منکی بهاراده توده‌های زحمتکش
هستند؛ و سیاستهای آنها در
خدمت منافع خلق است، از بلزگو
کردن حقایق هراسی ندارند و
مدام در جهت آگاه شدن توده‌ها

گام برمی دارند. جنگ دولتهای
ایران و عراق نیز محکی است
برای ارزیابی دودولت، تا
حقایق هر چه بیشتر برای توده‌ها
آشکار شود. واقعیت اینست که
هر دو دولت ایران و عراق از همین
آغاز جنگ، اهداف و منافع
بقیه در صفحه ۴

کدام جنگ
عادلانه است؟

طبقه کارگر ایران اکنون در برابر جنگی قرار گرفته
است که دولتهای ایران و عراق برافروخته‌اند، جنگی
که تاکنون برای طبقه کارگر ایران همانند کارگران و
زحمتکشان عراقی نمره‌ای جز خانه‌خراشی و ویرانی،
فقر و بیماری بسیار نیاورده است.
هریک از دولتهای ایران و عراق در ضمن تبلیغات
خود سعی می‌کنند توده‌های دو کشور را متقاعد کنند
که آنها از منافع توده‌ها حرکت می‌کنند و جنگ را طرف
مقابل برافروخته است. مثلاً رژیم ارتجاعی وضد
خلق عراق که سالها جز ستم بر توده‌ها و استثمار
آنها، سرکوب قهرآمیز خلقها و توده‌های زحمتکش
عراق، دفاع از منافع سرمایه‌داران و استثمارگران
رسالتی نداشته است و هر روز بیش از پیش با میریالیسم
وابسته می‌شود؛ اکنون همان سیاست خود را بشکل
دیگری یعنی جنگ ادامه میدهد، سعی دارد طبقه کارگر
و توده‌های زحمتکش عراق را بفریبد و این جنگ را در
خدمت منافع آنها قلمداد کند. واقعیت اینست که
در این جنگ رژیم عراق همان سیاستهای ضد خلقی و
ستمگرانه‌ی را اعمال می‌کند، که پیش از جنگ در پیش
گرفته بود، و این جنگ نه در خدمت منافع توده‌های
زحمتکش عراق بلکه دقیقاً در خدمت منافع سرمایه
داران وابسته، امپریالیسم جهانی و تمامی ستمگران
و استثمارگران است. وظیفه نیروهای انقلابی عراق
بویژه کمونیستهای آن کشور است که ماهیت ارتجاعی
رژیم عراق و فریب کاریهای آن را در جنگ برای توده
های زحمتکش عراق افشاء کنند و بمبارانهای جدی علیه
آن برخیزند. همچنانکه تاکنون چنین کرده‌اند،
البته رژیم عراق نیز آرام نمی‌نشیند، کمونیستها را
بقیه در صفحه ۷

مجلس ”مکتبی - انقلابی“
مالیات حقوق ارتش
”مکتبی - انقلابی“
والغومی کند!
صفحه ۶

سوسیال
شونیست‌ها و
مسئله جنگ
ضمیمه

- در این شماره:
- اخبار کارگری
 - هسته‌های سرخ کارخانه
 - خبرهائی از جنگ در خوزستان
 - ”کار و تولید بیشتر“ شعار...

از دید مجلس
معاکمه‌گر و گانها
منتفی است!
صفحه ۱۲

تتها تسلیح توده‌ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

جنگ و مسأله جنبش مقاومت مسلحانه توده‌ای

بقیه از صفحه ۱۴
ایران در پی خواهد داشت چیست؟ آیا این بدان علت است که در این جنگ عمدتاً ابزارها و سلاحهای سنگین نظیر هواپیما، جنگنده، توپ، تانک، موشک و خمپاره و غیره دارای کاربرد موثر بوده و توده‌ها به علت بمباران و کوبیده شدن شهرها محبوس به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند؟

پاسخ این سوال منفی است. زیرا اگر چه این عامل در عملکرد توده‌ها بخصوص در مراحل اول نقش قابل توجهی داشته است اما به هیچوجه پس از گذشت قریب به یکماه از آغاز جنگ نمیتواند عامل تعیین کننده‌ای در حرکت مردم بحساب آید. کافی است جنبش مقاومت خلقیهای جهان در برابرتهاجم مدرنترین ارتشهای دول امپریالیستی را ببینیم و در نتیجه سر روی یک نمونه آن، یعنی حماسه مقاومت مسلحانه خلق ویتنام در برابر امپریالیسم و کوبیده شدن شهرها و مناطق مسکونی توسط ارتش امپریالیسم فرانسه و آمریکا با سلاحهای مدرن و سنگین، مکتب کرده و ببینیم، آنگاه بیگمان میتوان بهسولت دریافت که علت تعیین کننده در رشد این پدیده مخرب نمیتواند بکارافتادن سلاحهای سنگین و یا مطلقاً تخصصی باشد. آیا علت این پدیده یعنی مهاجرت توده‌ها و یا رشدی تفاق و سیاسی در مقابل ارتش عراق، فقدان تدارکات

ازم، آذوقه و سطور کلی نیازهای اساسی است که مردم برای سازماندهی جنبش وسیع مقاومت توده‌ای، بدانها احتیاج دارند؟ غیر چنین نیست. گرچه این عامل نیز در رشد پدیده مورد نظر موثر است اما تاریخ ثابت کرده است که خلق آگاه و مصمم قادر است برای تحقق آرمانهای انقلابی و مترقی حتی در بدترین شرایط نیز مقاومت نموده و با ابتکارات گوناگون پشت جبهه پایدار و استواری را از طریق برقراری هزاران رشته ارتباط توده‌ای برای جبهه دفاع مسلحانه توده‌ای فراهم آورد. آیا.....؟

پس علت اصلی و تعیین کننده رشد عینی این پدیده در جریان جنگ کنونی چیست؟ برای تعیین آن باید به گذشته پس از قیام بهمنماه بازگردیم. باید یکبار دیگر صحنه‌های تیرباران توده‌های زحمتکش خلق عرب را در خوزستان ببینیم و باوریم. باید به سرکوب مبارزات حق دلبانان گران در خوزستان بازگردیم. آری، در یک کلام و بطور خلاصه، علت واکنش منفی توده‌ها در مناطقی شغالی، عدم اعتماد آنان به حاکمیت و حتی در بسیاری موارد کینه آنان نسبت به حاکمیت از یکسو و فقدان شان از سازمانهای سیاسی انقلابی از سوی دیگر است. حاکمیت که سنگ بنای سیاست خویش در مورد مسأله ملی را، با پیمان نمودن ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک خلقهای

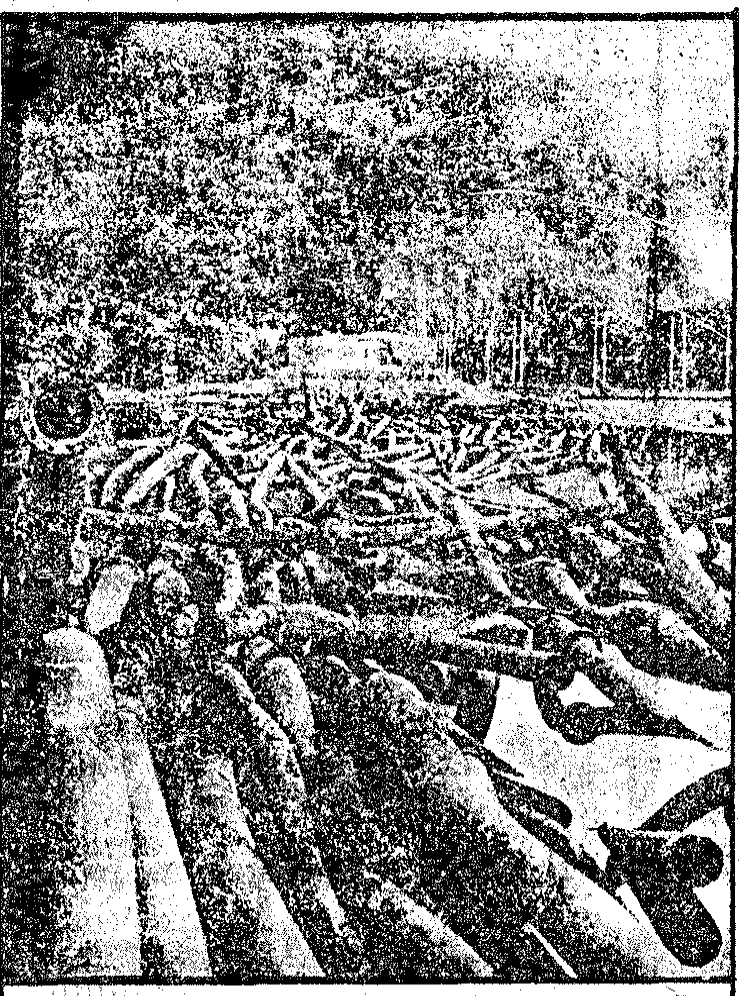
تحت ستم ایران قراردادده است، زمینه سازتهاجم نظامی عراق از یکسو و واکنش منفی توده‌ها نسبت به آن از سوی دیگر است. حکومت جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خود، همواره هر نوع جنبش دمکراتیک، خلقیها را بشدیدترین وجه ممکن سرکوب کرده و صدها تن از توده‌های خلق کرب و عذاب را با قساوت تمام شکنجه و تیرباران کرده است. این وضعیت بعلاوه عدم حضور فعال و همه جانبه نیروهای انقلابی در میان خلق عرب خوزستان در گذشته، موجب پدید آمدن جریانهای انحرافی در جنبش خلق عرب گردیده است. اضافه بر فعال شدن بسیاری از شیوخ و سران مرتجع عشایر خوزستان، ما شاهد وجود آمدن گروهها و جریان‌ها شدیم که توسط رژیم ضد خلقی عراق مسلح و تجهیز شده و دست به اقدامات تروریستی و انفجاری مختلف در خوزستان زده‌اند. این است زمینه‌های اصلی مهاجرت توده‌های زحمتکش خوزستان در جریان جنگ. با آغاز وادامه جنگ، وظایف جدیدی در برابر کمونیست‌های ایران قرار گرفته است که وظیفه اصلی در میان آنها، سازماندهی و رهبری مستقل جنبش مقاومت توده‌ای در مناطقی شغالی است. اینک پیش‌در این سیاست عملی بهترین زمینه را برای رشد مبارزه طبقاتی و طرح مسائل، ایده‌ها و شعارهای مربوط به مسأله ملی خلق عرب در خوزستان فراهم نموده است.

● خبرهایی از جنگ در خوزستان

۲۶ مهر

آبادان
مردم با شلیک توپخانه‌های وقفه عراق از جواب بیدار می‌شوند، نیروهای عراقی که ما کان در نزدیکی ایستگاه ۷، آبادان مستقر هستند، به گونه‌ای که به چشم می‌آیند، راههای خروجی آبادان همچنان بسته است و مردمی که با روبنه را بسته اند که بروند، هنوز بی‌آنکه از رفتن منصرف شوند - حتی بر تعداد آنها افزوده شده - منتظر باز شدن راه هستند. از خرمشهر - مدام آمبولانسها جنازه زخمی می‌آورند، راننده‌ی جوان آمبولانسی که دچار تشنج و شوک شده

بقیه از صفحه ۱۴
مردمی که با امید آمده بودند تا اسلحه بگیرند و از خانه و کاشانه و شهر و وطن خود دفاع کنند، تیراندازی هوایی می‌کردند. گلوله‌هایی که می‌بایست بر قلب متجاوزان عراق سببی بنشیند، اینک بسیاری متفرق کردن مردم انقلابی به هوا شلیک می‌شوند. غروب فرا می‌رسد، صدای شلیک توپخانه عراق بیشتر و بیشتر می‌شود و مردم منتظر و خشمگین از جنگ و عراق و جمهوری اسلامی و... به سنگرها و خانه‌های خود باز می‌گردند. چند تن که در این روز موفق شده بودند در آغاز اسلحه بگیرند، در فردا پیش توسط پاسداران خلق سلاح شدند و چهره رنفرشان نیز دستگیر گردیدند.



آبادان - تانک فارم بالایشگاه در آتش می‌سوزد...

بود می‌گفته نمی‌شود جنازه‌ها را از خیابانهای خرمشهر جمع کرد، مدام تیراندازی است و خمپاره است که فرود می‌آید، فقط می‌توانیم زخمی‌ها را ببینیم، اضطراب و بی‌اس به خوبی در میان نیروها مشهود است همه به همدیگر می‌گویند، خرمشهر رفت، آبادان رهنما چند ساعت دیگر رفتنی است. عصیت و تشنج خوبی بالا گرفته است. رادیو اعلام می‌کند که راه آبادان - ما شهر باز شد، مردمی که چند روز است در انتظار چنین خبری هستند، به طرف ایستگاه ۱۲ و ۷ هجوم می‌آورند، اما به اینجا ها که می‌رسند، واقعیت چیز دیگری است رادیو دروغ گفته، هنوز راه بسته است.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

کار و تولید بیشتر شعار سرمایه داران و اپورتونیست‌ها

حالا دیگر نیست سرمایه داران روز میساران بزرگ است که با استفاده از شراب "مناسب و مطلوب" (!) هر چه سریع تر پیش بنژانند و هر روز مواضع جدیدتری را تسخیر کنند و سرمایه‌های درهم ریخته و از هم پاشیده را از بسوس و سامان بدهند. حالا دیگر ارتش که از ۱۵ خرداد ۱۷ شهریور و ۲۱ بهمن و غیره سر بلند بیرون آمده بود! تطهیر شده است، حالا دیگر سازمان امنیت جدید "کمیتا امنیت ملی" از وظیفه شرعی و قانونی خود را که تفسیر عقاید و تعقیب پیشروان پیشگامان و سایر فعالین سیاسی

است که ملامت کرده گریه است و مرتباً هر روز چندین بار آن را سرخ مردم میکشد و ...

و بالاخره حالا دیگر سرمایه داران که ملامت می‌کنند که صفحات روزنامه‌ها را به تبلیغات آشکار و صریح استثمار بیشتر مزین کنند و تا می‌توانند از "خبرات و برکات" جنگ برای کارگران و زحمتکشان صحبت کنند و آن‌ها را به "کار و تولید بیشتر" دعوت کنند زیرا که "کار و تولید بیشتر بزرگترین سلاح" آنها "برای پیروزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود".

آنها مرتباً بر گلویشان فشار می‌آورند و نعره می‌کنند و افزایش تولید، افزایش ساعات کار، کاهش ساعات فراغت، کاهش ایام استراحت و تعطیلی را شعار میدهند و آنها هم مکانات تبلیغی خود را بخدمت گرفته اند و توده کارگران و زحمتکشان را شلاق کش می‌کنند که تولید را افزایش دهند و "در پشت جبهه چگونه می‌توانیم به هموطنان خود در خط مقدم جبهه کمک کنیم و خود بجای کارگران، با رشادت و قدرت با سلاح مسدودند: "با کار و تولید بیشتر" و آن نظارت دارند با سخاوت خود را از گسسته کارگران و زحمتکشان بیرون بکشند.

اپورتونیسم راست نیز که از مدت‌ها قبل، وظیفه خدمت بمنافع طبقاتی خود را مخفیانه اما بیگانه تعقیب می‌کرد و پنهانی (و از طریق تماسهای تلفنی) با سرمایه داران بمذاکره می‌نشست و وحدت میکرد، اکنون و در اثر جنگ به سوسال شوونیسم (دفاع از میندر جنگ کنونی) تکامل یافته است و علناً وحدت خود را با سرمایه داران اعلام میکند و "جنگی بهره برداری از این پیرشانی (جنگ)" برای پیشبرد انقلاب به "باری کردن حکومت کشور خود" می‌راند (سوسالیسم و جنگ داخلی صفحه ۱۲) و "ارگان سراسری" خود را بخدمت آن در می‌آورد و همصدایان روزنامه‌های جناحهای مختلف دولت بر "اهمیت عظیم و حیاتی درک رسالتی که در مقطع کنونی، طبقه کارگران بر عهده دارد" (شماره ۸۰ ارگان سراسری، صفحه ۲۱) تاکید میکنند و از افزایش ساعات کار بدون دستمزد کارگران کارخانه‌ها قند اصفهان و "قرستان بخشی از دستمزد اندک به جبهه جنگ" و غیره بیاد میکنند.

البته نباید فراموش کرد که در این مسیر با پویندگان "راه کارگر" نیز اپورتونیست‌های ما را - گرچه با چند قدم فاصله - همراهی میکنند و از "فداکاری قابل ستایش کارگران" که "در تعدادی از کارخانجات مطرح کرده اند که ۱۲ ساعت

کار می‌کنیم و هشت ساعت حقون میگیریم" صحبت می‌کنند (راه کارگر - شماره ۴۵ - وظایف شوراها کارگری در مرحله کنونی - صفحه ۹).

اما این فقط یک سوی جبهه است، در جبهه دیگر پرولتاریا ایستاده است که جوان و کم تجربه است و در عین حال هنوز چندصاحی نیست که اکثریت آن از روستاها شهرها رانده شده اند و به همین دلیل با در اولین مراحل جنگ، تبلیغات سرمایه داران را راحت‌تر غرض‌هفاتی، شورش‌میداری، و مستی میهن پرستی اصراطی آنها را برمی‌انگیزد و "دفاع از زمین سرمایه داران" می‌کند و دنیا مودتینا جو فشار و سرکوب و اخراج و وحشت رکود و بیگاری او را بموضع عقب نشینی می‌کشد.

بله، پرولتاریا موقتاً عقب می‌نشیند اما با این چشم انداز که بحران عمیق میشود، کمپانی از حد و مرز میگذرد، صفوف زحمتکشان برای تامین حداقل خوار و ساز و سوخت مورد نیازشان کیلومترها امتداد می‌یابد، بیگاری و رکود شدت می‌یابد، تضادهای حدت پیدا میکند، سرمایه داران و کارفرمایان به کارشکنی و سنگ اندازی می‌پردازند تا با فشار بیشتر بر کارگران، امتیازات بیشتری بگیرند و آنگاه است که پرولتاریا در پیوند با پیشروان انقلابی، که می‌کوشد بشیوه‌های انقلابی از این پیرشانی برای پیشبرد انقلاب بهره برداری کند" وارد صحنه میشود و بقصد از زمین بردن مشکلات و مصایب و خنثی کردن تبلیغات مسموم سرمایه داران و نمایندگان فکری و مدافعین منافع آنها با پیش میگذارد. سرمایه داران و نمایندگان آنها مدتها تبلیغ کرده بودند که جنگ موجب کاهش تولید، کمبود و گرانی شده است و این امر موجب بدتر شدن وضع زندگی کارگران و زحمتکشان شده است. برای خنثی کردن این وضع و برای مقابله با "تجا و بیگانگان"

(چه دلیل مسخره ای! مدتها تجا و زیاده جان و مال کارگران و زحمتکشان توسط سرمایه داران "خودی" چه راحت فراموش میشود) که باعث این آشفتگی‌ها و محرومیتها و مشکلات شده است، باید تولید را افزایش داد، بهره‌وری را بالا برد، از ضایعات کاسته و ساعات کار بدون دستمزد افزود و غیره.

و حالا کارگران بیشتر در پاسخ باین تبلیغات فریباً در می‌آورند که:

ما هم برای مبارزه با سختی‌ها و مصائب جنگ (گرانی، کمبود و غیره) آماده ایم، ما هم برای افزایش تولید و افزایش بهره‌وری و کاهش ضایعات و غیره حاضریم ما متعهدیم و بعنوان پیش شرط کار:

- اداره کارخانه‌ها را به عهده ما بگذارید!
- اسناد و دفاتر کارخانه را در اختیار ما بگذارید!
- رابطه‌های بانگانی را رو کنید!
- شورا‌های کارگری ما را به رسمیت بشناسید!
- امکان توزیع عادلانه و منطقی بر نیازهای توده کارگران و زحمتکشان را که جز از طریق کمیته‌های توزیع و مصرف مواد غذایی و شورا‌های محلی امکان پذیر نیست فراهم کنید!
- و بالاخره در یک کلام: قدرت را با ما بسپارید! و آنوقت از ما بخواهید که با تمام قوا کار کنیم، ساعات کار را افزایش دهیم و در رفع مشکلات و مصائب محاسباتی جان بکوشیم و مطمئن باشید چنین خواهش‌ها و تهدیدها تاریخ بدفعات نشان داده است که چنین نیز شده است!

مادر پشت جبهه چگونه میتواندیم به هموطنان خود در خط مقدم جبهه کمک کنیم؟

بزرگترین سلاح ما برای پیروزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

کار و تولید بیشتر

کنترل کارگری تنها راه مقابله با کمبود و گرانی



چرا دولت حقایق را به مردم نمی گوید؟

بقیه از صفحه ۱

واقعی خود را که جنگ نتیجه حتمی و اجتناب ناپذیر آن بوده است، در پس الفاظ و عبارات فریبنده و تبلیغات بی محتوا پنهان داشته اند، و در حین جنگ نیز هیچیک حقایق را به مردم توضیح نمی دهند. آنها همان سیاستی را ادامه میدهند که پیش از جنگ اعمال می کردند. آنها هنگامی که مناطق مسکونی و مراکز صنعتی یکدیگر را بمباران می کنند و طی آن صدها مرد و زن و کودک بیدفاع را درزیر خروارهای آوار مدفون می کنند، یا از آن دم نمی زنند و یا اینکه صریحاً آنرا منکر میشوند. و بدین طریق سعی می کنند بر جنایات خود در جنگ سرپوش گذارند، جنایات رژیم ضد خلقی عراق بر تنوده های زحمتکش میهن ما آشکار است، زیرا که مدام در معرض اعمال جنایتکارانه و بمبارانهای آن قرار دارند. توده های زحمتکش عراق نیز از جنایات مشابه دولت ایران علیه توده های بیدفاع عراق آگاهند. اما مسئله پنهان داشتن حقایق از دید توده ها بهمین جا ختم می شود، این سیاست در طول تمام سیاست های این دو دولت اعمال شده و می شود.

دولت جمهوری اسلامی نیز گماز همان آغاز بحکومت رسیدنش سیاست فریب توده ها را در پیش گرفته و همیشه واقعات

را از مردم پنهان داشته است در این جنگ نیز از بازگو کردن حقایق هراس دارد. در گذشته، پیش از آغاز جنگ هنگامی که خلق قهرمان کرد حقوق برحق و عادلانه خود را طلب کرد رژیم جمهوری اسلامی به تحریف حقایق متوسل شد، آشکارا به توده های سراسر ایران دروغ گفت، خلق کرد را ضد انقلابی خواند و بیرحمانه جنش مقاومت خلق کرد را سرکوب نمود.

خلق ترکمن را که دلاوران در برابر سرمایه داران زمینداران و تمامی عوامل و ایادی امپریالیسم ایستادگی می کرد بعنوان ضد انقلاب سرکوب کرد.

خلق عرب را که خواستهای برحق خود را مطرح کرده بود توسط مدنی مزدور و وحشیانه سرکوب نمود. کارگرانی را که خواستار قطع دستهای سرمایه داران را الوصف از کارخانه و محو هرگونه وابستگی به امپریالیسم بودند به دروغ اخراج نمود.

سازمانهای انقلابی را وابسته، ضد انقلابی و منافق معرفی نمود، و عملاً غیر قانونی کرد. سازمان چریکهای فدائی خلق را که تنها از منافع توده های زحمتکش، کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش دفاع می کند و پیگیر ترین نیروی ضد امپریالیست است، ضد انقلابی نامید.

خلاصه تمام حقایق را واژگونه

ساخت، آشکارا بدروغ متوسل شد، تا مردم را بفریب و پاپیه های حکومت خود را مستحکم سازد. امروز نیز در حین جنگ حقایق را بازگویی کند و ب مردم دروغ می گوید.

اخبار مربوط به جنگ بخوبی این مسئله را نشان میدهد. پس از نزدیک به یک ماه که از جنگ می گذرد هنوز انبوهی از توده های زحمتکش میهن ما از وضعیت جبهه های جنگ کاملاً بی خبرند. تنها هنگامی سقوط یک شهر، درگیری در یک منطقه و پیشروی ارتش ضد خلقی و مزدور عراق به گوش مردم میرسد که تمامی دنیا از آن مطلع شده اند.

اگر به روزنامه های رسمی نظر بیا فکنیم واقعات آشکارتر میشود. ستاد ارتش اطلاعیه صادر می کند و روزنامه ها آنرا درج می کنند که ارتش ایران، ۵ کیلومتر، ۱۰ کیلومتر، ۱۵ کیلومتر، ارتش مزدور عراق را از فلان منطقه عقب رانده است. خبر میدهند که در درگیری منطقه پل ذهاب و قصر شیرین ارتش ایران، ارتش عراق را عقب نشینی واداشته است. خبر میدهند که ارتش عراق ۵ کیلومتر از اطراف آبادان عقب رانده شد، و یا جنگ تن بستن در خرمشهر در گرفته است.

مردم سؤال می کنند، پس کی، چگونه و در چه زمانی ارتش تجاوزکار عراق به این مناطق نزدیک شد و یا آنهارا اشغال کرده اند که اکنون خبر عقب نشینی

آنها را میدهند و چرا مردم از آن بی اطلاع بوده اند، چرا باید اطلاعیه مردم در نا آگاهی و بی اطلاعی نگه داشته شوند؟ دولت حتی انتشار اخبار موثق را که در روزهای اول جنگ تا حدودی منتشر می شد، ممنوع کرد و باین بهانه پوچ و بی معنی متوسل شده است که روحیه مردم تضعیف نشود. این صرفاً یک بهانه پوچ است که در ادامه سیاست اختناق و فریب مردم اعمال می شود. زیرا بر خلاف ادعای دولت، اگر مردم از پیشروی نیروهای عراقی، از حملات تجاوزکارانه آنها در هر لحظه اطلاع داشته باشند، نه تنها روحیه خود را از دست نمی دهند بلکه خود را بیشتر و مصممانه تر آماده می کنند، پناهاگامی می سازند، سلاح تدارک می بینند، نهایتاً در یک لحظه متوجه شوند که دشمن به دروازه های شهر آنها رسیده است.

اگر رژیم جمهوری اسلامی حقایق را ب مردم می گفت، اگر واقعا به توده های مردم متکی بود هیچ نیروی را یا رای مخالف با آن نبود. اما از آنجا که میداند اگر حقایق را ب مردم بگوید، توهم و اعتماد آنها نسبت به رژیم از میان می رود، حقایق را نمی گوید و مردم را در بی اطلاعی محض نگاه میدارد.

اگر مردم از حقایق مطلع می شدند، آنگاه می پرسیدند که چرا دولت بعوض متمرکز نمودن

چند لشکر در کردستان و سرکوب توده های زحمتکش کرد، آنها را بجهه جنگ با عراق نفرستاده است؟ چرا توده ها را بنام ضد انقلاب سرکوب کرد و به سازمان های انقلابی اتهامات دروغین و بی اساس زد؟

اگر مردم از حقایق مطلع می شدند و می دانستند که در پارهای مناطق نظیر سوسنگرد، بهنگام اشغال شهر از جانب ارتش ضد خلقی عراق، مردم بی تفاوت برخورد می کنند، آنگاه آنها دولت را مورد سؤال قرار می دهند و می پرسند که علت این مسئله چیست؟ چرا رژیم جمهوری اسلامی به خواستهای برحق و عادلانه خلق عرب خوزستان یا گلوله جواب داد؟ چرا مدنی جلاد مزدور را ماسور سرکوب آنها کرد؟ توده های آگاه عرب خود به توده های نا آگاه و بی تفاوت توضیح میدادند که رژیم ضد خلقی و ارتجاعی عراق چگونه برادران آنها را در عراق سرکوب می کند، بگلوله می بندد و تحت ستم قرار میدهد.

واقعیات اینست که در ماهیت رژیم جمهوری اسلامی نیست که واقعات را برای مردم بگوید و از همین موضع است که فردا بدون آنکه مردم دقیقاً در جریان باشند و در آن سهمی داشته باشند بار رژیم ضد خلقی عراق زد و بند می کند و باز هم منافع توده های زحمتکش و کشور پامال می شود.

پس از فاجعه قارنا، خدادان خلق رزمیده کرد، همواره کوشش نموده اند که این قتلعام را لاپوشانی نموده و با تراشیدن این یا آن فرد قلمداد نمایند و علم و عمل و منطق تاریخ نشان داده است که چنین جنایاتی هرگز از نظر توده های میلیونی مسکوت نخواهند ماند. عناصر ضد خلقی از قبیل معبودی ها و قطاری ها و قادی ها... پس از فاجعه قارنا دوش بدوش ارتش ضد خلقی و سپاه پاسداران (سپاه سرمایه داران) و کمیته ها، این ضابط سرکوب بورژوازی، در سرکوب خلق قهرمان کرد، یورش به آزادنیهای سیاسی، سرکوب دهقانان منطقه ارومیه، اخراج معلمین آگاه و مبارز، همصدا و همسنگری بوده اند و در تمام جنایات و قتل عام ها و سرکوبها، شریک و همسوی بوده اند، اینک با عیان شدن ماهیت ضد مردمی معبودی ها و غیره برای توده های ستمکش و بخصوص آشکار شدن ماهیت کثیف آنها برای مردم قهرمان نطقه، از طرف سپاه پاسداران، تضادهای درونی آنها آشکار شده و اینک درگیری مسلحانه بین این دو جناح از هیئت حاکمه محتمل است. آنان میخواهند با ایجاد درگیری های مسلحانه، جنایات و اعمال ضد خلقی خود را از توده های پنهان داشته و خود را طرفدار خلق حاکم و دولتی خلق ما آگاه تر از آن است که فریب تبلیغات مسموم کننده این عناصر را بخورد.

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برای افشای ماهیت معبودی ها و قطاری ها و افشای اعمال سرکوبگرانه سپاه پاسداران و کمیته ها و سرکوب ددمنشانه خلق کرد، با تمام توان خود مقابل خواهیم کرد. وظیفه تمام نیروهای انقلابی است که در افشای ماهیت آنها بکوشند.

نابودباد توطئه های جنایتکاران و زمینداران و سرمایه داران
نابودباد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پانگاهد خلیش

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - ارومیه
۲۲ مهرماه ۱۳۵۹



گزارشی از مبارزات کارگران و کارکنان شرکت ژاپنی ک.د.ک

یکی از اشکال استعمار
در دنیا توسط امپریالیست
مدور سرمایه و سرمایه
کداری در کشورهای توسعه
یافته میسر شده است
استی "ک.د.ک" که متری
گروه تولیدی است
سازمانی را در این شرکت
و موسسه امپریالیستی در
کشور ما است که متوجه
طریق رژیم جمهوری استی
برسمیت شناخته میشود و

شرکت "ک.د.ک" از
مدتی پیش به بهانه های
گویا گویا کارکنان زحمتکش
ایرانی را اخراج و یا به
مرخصی های اجباری با
استفاده از ۵۰٪ حقوق وادار
میگرد. با شروع جنگ ارجحانی
و تحمیلی ایران و عراق،
شرکت ک.د.ک با استفاده
از بهانه های مختلف نظیر
کمبود سوخت، عدم امکان
کار در شب، وضعیت مالی
شرکت ناشی از عدم پرداخت
سول از طرف شرکت محاسرات
ایران، بسته نمودن
فرودگاهها و ترسیدن مواد
اولیه لازم و... تصمیم به
اخراج و مرخصی اجباری (با
بنا به درم حد حقوق) باقی
مانده کارگران و کارکنان
ایرانی شرکت گرفت.
کارگران و کارکنان
سازمان شرکت در مسائل
این تصمیم که در شرایط
بحران اقتصادی کسوی
بکلی زندگی و معیشت آنها
را خطر میزند، از متحدان
دست با اعتراض زده و روز
یکشنبه سیزدهم مهر در
مسجد راستگان تجمع
کردند و از معاون ژاپنی
شرکت تمام "هاشی موتو"
خواستند در چشمان حاضر
نده و در این مورد توضیح
دهد. ابتدا نماینده مارشال
کارکنان (امیراملائی) از
"هاشی موتو" خواست که در
استمبور توضیح بدهد. او
گفت "چون جهت استی
بیشتر نیست مسئولان
ما موعی نباید اجرا شود.
سوال تعداد سه و... تا زمانی
که جنگ است کار هم نیست

و ما مجبوریم شرکت را
تعطیل کنیم و..."
این حرفها موجب اعتراض
و خشم کارگران شد. یکی از
رانندگان مبارز گفت:
"مادامه که حاضر نیستیم به
حرفهای شما گوش بدهیم،
چطور شما نمیتوانید حقوق
ما را بپردازید در صورتی
که ما هیانه صدها هزار تومان
کرایه انبار، دفتر و آبارتمان
و هزینه های دیگر میدیم،
ما جواب زبونی نداریم
را چه بدهیم، ما این گریبی
و کمپایی چکار کنیم؟"
در میان حرفها بش گفت
"ما حرف آخر ما را گفتیم
تا زمانی که جنگ ژاپنی
در شرکت باشد ما نه حکم
اخراج را قبول داریم و
نه به مرخصی سرویس و روی
این تصمیم نزنیم آخری
بفس می ایستیم و از حقوق
خودمان دفاع میکنیم اگر
شرکت کار ندارد دیگر کاری
با پیدایش ما ندارد."
جلسه آن روز با این تصمیم
که همه کارگران و کارکنان
اخراجی و مرخصی رفته
در جریان تیرا بگیری بدختم
ند.
تصمیم مهربانه، "هاشی
موتو" نماینده کارکنان
شرکت را اجبار کرد در پناه
گفت که "با توجه به وضعیت
جنگی کشور شرکت نمی
تواند بکار ادا بدهد و
تصمیم گرفته شده از تاریخ
۷/۲۲ به بعد از ایران و دو
هفتگی که خود مدتی است
است. آنچه کارگران و
کارکنان بددت در ماهه
مرخصی اجباری سرزد
اگر طرف این مدت وضع

تغییر نکرده همگی اخراج
میشوند. کارگران و کار-
کنان بعد از اطلاع از این
تصمیم دوباره جمع شدند و
خواستار حضور مدبرعامل
شرکت با م "کووانو" شدند
مدبرعامل گفت: "از اینکه
با بدکار را تعطیل کنیم
مناصف هستیم اما شرکت
نمیتواند این ضرورت را تحمل
کند و شرکت محاسرات هم
پول نمیدهد." بعد از مدتی
بحث قرار شد که جلسه ای
مرکب از سه نفر نمایندگان
کارگران و سه نفر نماینده
از طرف ژاپنی ها تشکیل
شود تا در این باره مذاکره
کنند.
فردای آنروز، این
جلسه تشکیل شد. زاینجا
گفتند ما با این تصمیم
رسیدیم که شما سرکار خود
باشید و ما آن گروهی که به
مرخصی رفته اند اخراج
میشوند، شما هم بنا به در
صد حقوق پرداخت میشود.
و این تصمیم تا زمانی
اجرا میشود که وضع ژاپنی
شرکت اجازه دهد."
نمایندگان کارکنان با
این تصمیم مخالف
کردند و روز بیست و سه
مجدداً جلسه جمع کارکنان
و کارکنان تشکیل شد. آنها
در این جلسه استنادی و
منا و مت یکبارگی و متحدانه
خود را در مقابل تصمیمات
مفاسات شرکت دایر بر
اخراج، مرخصی اجباری
و کم حقوق به مدبرعامل
اعلام کردند.



کارکنان مبارز صنایع هواپیمایی!

پس از حمله های هوایی اخیر رژیم ارتجاعی عراق، به شرکت، مدبرعامل طی سخننامه ای اعلام
کرده است که "با شنیدن صدای آژیریه بنایگاهها بروید، در غیر این صورت شرکت هیچگونه مسئولیتی
نخواهد داشت."
در حالیکه در بمباران ۳۱ شهریور دوشن از دوسان ما جان خود را از دست داده و عده ای زخمی
شدند، در حالیکه ساعات کار ما افزایش یافته و در نتیجه جان ما بیشتر در معرض خطر قرار گرفته
است، در حالیکه بناگاهه امن و مناسبی در شرکت وجود ندارد، مدیران آمریکایی برای رفع
مسئولیت از خود، بخشنامه فوق را صادر می نمایند.

این امریکای دیگر نشان میدهد که مدیران مزدور و تمام عوامل سرمایه داری تنها ب فکر استفاده از نیروی
کار ما هستند و برای جان زحمتکشمان هیچگونه ارزشی قائل نمیشوند.

کارکنان پیشرو صنایع هواپیمایی
مهرماه ۵۹

۳ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

● مجلس "مکتبی - انقلابی"

مالیات حقوق ارتش "مکتبی - انقلابی" را لغو می کند

چند روز پیش از شدت درگیری میان دولتین ایران و عراق لایحه ای با قید دو فوریت برای لغو مالیات حقوق ارتشیان در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. این لایحه قبلاً توسط شورای انقلاب پیشین تدوین شده بود و ظاهراً با قید دو فوریت برای تصویب آن بمناسبت نیاز حکومت اسلامی به تقویت روحیه ارتشیان در مقابلد با ارتشیان دولت عراق است.

دولتی که رئیس آن معتقد است که "در دما در دما نگویند و پرتقال نیست، در دما در دما مکتب است" و به "مکتبی و انقلابی" بودن خویش بعنوان مهمترین خصلت خود می نازد و مجلسی که او نامود میکند به ارزش های معنوی و تعالی انسان می اندیشد، وقتی با واقعیات سخت روبرو میشود، مجبور میشود با این ترتیب ادعاهای خود را که هیچکس جز خودش بواقعیات آنها با ورن ندارد. رها کند و به ارتشیان رشوه بدهد. مجلس و دولتی که نه تنها به مسائل اقتصادی توجه های عظیم زحمتکشانی بی اعتناست و خواسته های مادی آنها را در خور اعتنا نمیداند، بلکه طرح ایی گونه مسائل را حتی "ضد انقلابی" می شمارد و به کارگزارانی که در پی افزایش دستمزدها و خویش هستند و یا به لغو قانون سود و بهره اعتراض میکنند، با حرفهای سربالا تهمت ضد انقلابی بودن، ضرب و شتم، حبس و گلوله جواب میدهد، آنجا که پای اقتصادار خویش را در گل می بیند و سود ارتشیان محتاج میشود ارتش های اسلامی را براحتی کنار میگذارد.

مجلس نشینان و دولتمردانی که معتقد بودند تخصص در برابر ایمان، بی ارزش است و ما هرگز به تخصص بدون ایمان روی نمی آوریم، اکنون که ارکان قدرتشان را متزلزل می بینند، ناچار می شوند به متخصصان ارتشی که "ایمان" خود را بصورت مختلف به معرض آزمون گذاشته اند!

رو بیاورند و با نحاء مختلف مجیز آنان را بگویند و اکنون با طرح این لایحه بفر "مادیات" بی ارزش آنها بیفتند.

دولتی که در آستانه ورشکستگی بی سابقه اقتصادی قرار دارد و خرجش از دخلش بیشتر است و با کسری عظیم بودجه و بروت در برابر زحمتکشانی که با بیکاری عمومی با گرانی و کمپانی کالاها و روبرو هستند، معتقد است که مردم "توقعات کاذب" پیدا کرده اند و در دامه ما اینها نیست، تصمیم میگیرد از اصول مکتبی خویش عدول کند و مالیات حقوق ارتشیان را لغو کند یا به عبارت بهتر حقوق آنها را افزایش دهد.

فراموش نمیکنیم که دولت شاهنشاهی نیز که تکیه گاهش را ارتش، ساواک و سایر نیروهای نظامی تشکیل میداد، در برابر خواسته های کارگزاران پلیسی - نظامی خویش، به همه گونه امتیاز مادی مستقیم و غیر مستقیم تن در میداد و حتی در همان دوره نیز ارتشیان از امتیازهای امتیاز آمیز در مورد مالیات برخوردار بودند. علاوه بر اینها دلایل متعدد دیگری وجود داشت که نشانه تماز و تبعیض میان زحمتکشانی و ارتشیان بویژه در رده های بالا بود. ارتش و ارتش و فراوان، خانه های سازمانی و غیره، و سالی بود که رژیم پیشین بکمک آنها سعی میکرد برای ارتشیان و نظامیان دیگر امتیاز قائل شود و آنها را از توده های زحمتکش جدا کند. بدون تردید بیشترین امتیازات نصیب رده های بالای ارتش میشد و رده های پائینی ارتش (نظیر سربازان، درجه داران و افسران جز) یا از این امتیازات نصیبی نداشتند و یا به حداقل آنها دسترسی داشتند.

برخی از امتیازات نظامیان در اترقیام توده ها و فشار پیرسل انقلابی ارتش از میان رفت و بسیاری از اعتراضات بحق متوجه تبعیض در درون ارتش و

میان ارتش و سایر زحمتکشانی بوده است. اما اینک دولت و مجلس "مکتبی - انقلابی" جا در پای همان روشهای پیشین می گذارد. از اینجا چه نتیجه می توان گرفت؟ آیا جز این است که چون این دولت نیز مانند سلف خویش بیش از پیش از تکیه گاه توده های محروم می شود، ناچار میگردد قشر متخصص نظامی را با امتیازات مادی تکیه گاه خود قرار دهد؟

گاهی به صورت مذاکرات مجلسیان مسلمان در این مورد بخوبی صحت ادعای ما را نشان میدهد و در عین حال ماهیت واقعی مجلس نشینان را بر ملا می سازد.

دو نماینده ای که در جلسه علنی به عنوان مخالف (البته فقط به عنوان مخالف) در این باره صحبت می کنند، سعی دارند خودشان را از لحاظ "اسلامی" از تگ و تانیندازند و می گویند ما باید طوری به ارتشیان خدمت کنیم که "شخصیت برادران ارتشی، لکه دار نشود" در واقع در اصل قضیه بحثی نیست، بلکه در صورت انجام آن باید تجدید نظر شود و یکی دیگری گویند چون موقع جنگ است به نظر خواهد آمد سید که ما در مقابل عمل دولت عراق نسبت به ارتشیان خود، دست به عکس العمل زده ایم و بنا بر این موقع طرح این لایحه نامناسب است. اما محض خالی نبودن عریضه و شعار دادن فراموش نمی کند، که بگوید "اسلام تکیه بر ارزش (معنوی) دارد و من هیچ ضرورتی نمی بینم که (این لایحه) در این زمان مطرح شود". بدین گونه این مخالف لایحه نیز فقط با موقع اجرای آن مخالفت دارد، ندبا اصل اجرای آن.

مهندسی سخانی نیز از دیدگاه دیگری از مسئله فقدان منبع برای تامین هزینه لایحه اشاره می کند و از نظر او نیز نفس قضیه از نظر "اسلامی" اشکال ندارد.

اومی گوید: "این معافیت در سال حدود ۲۰۰ میلیون تومان برای دولت (خرج) دارد... در همین سال بین ۱۰ تا ۱۵ درصد به حقوق درجه داران ارتش تا درجه سروانی افزایش داده شد... که حدود ۴ میلیارد تومان بار مالی برای دولت داشته... فوق العاده های خاص دیگری هم برای نیروهای مسلح در نظر گرفته شده... (به این دلایل) این حذف مالیات در شرایط کنونی منطقی نیست." زیرا دولت با کسری بودجه و فقدان منابع مالی روبروست. بنا بر این مهندس سخانی هم فقط با موقع اجرای لایحه مخالف است!

و اما نمایندگان موافق لایحه یکی از اینان ناگهان به یاد "محرور میتهائی که برادران ارتشی ما در سطح یائین از رژیم منفور پهلوی کشیده اند" می افتد و معتقد است که این حق آنان است که از پرداخت مالیات معاف شوند. بدیهی است که همین نماینده هنگام طرح افزایش حقوق کارگران چگونه "حق" را فراموش خواهد کرد. اما جالب اینست که ایشان گمان می کند (با و نمود می کند؟) که از این لغو مالیات، رده های پائین بهره مندی شوند در حالی که می - انیم قاعدتاً مالیات متناسب با میزان حقوق است و در اکثر موارد به تناسب حقوق تصاعد می یابد، بنا بر این طبعاً رده های بالا هستند که از این امتیاز بهره مندی شوند. این، ایا با تدبیر حساب ساده

لوحی گذاشت و یا به حساب عوام فریبی! نماینده موافق دیگر مدعی میشود که ما باید برای خنثی کردن ادعاهای ضد انقلاب این لایحه را تصویب کنیم زیرا به ارتشیان می گویند شما جانفشانی میکنید ولی حقوقتان کم است. باید دید که آیا اگر این "ضد انقلابی" های توطئه چین "در میان کارگران تبلیغ کردند که حقوقتان کم است، آیا نماینده مسلمان محترم با همان دست و دلبازی در مقام "خنثی کردن تبلیغات ضد انقلاب" بر می آید؟

و موافق دیگر لایحه دکتتر سلامتیان است که می گوید برای تامین منبع مالی لایحه باید بر اتومبیل های شخصی مالیات بست. فهم دلیل موافقت او معما نیست. فراکسیون لیبرال مجلس بیشتر از فراکسیون دیگر، موافق تقویت و تحبیب ارتش است. مگر بدینوسیله از شر رقیب "مکتبی" (یا "مکتبی تر") خلاص شود و چه موقعیتی مناسب تر از این که حتی حریف هم در مقام دفاع از "ارتشیان محترم" بر آید تا قدرت خویش را حفظ کند؟

بدینگونه است که اختلاف میان موافقان و مخالفان در تصویب این لایحه در میان مجلسیان مسلمان از میان میرود و درنگ واقعی "مکتب" آفتابی میشود و بدین گونه میتوان فهمید که "مصلحت حفظ قدرت" بر دولت و مجلس حکومت دارد یا "مکتب و انقلاب" و رعایت حقوق زحمتکشانی!



برای اشتراک

از شماره ۷۳ بعد، با آدرس زیر تماس بگیرید:

بهای اشتراک سالانه ۲۵ دلار
شش ماهه ۱۴ دلار و سه ماهه ۸ دلار
دلاریا شد

دوستان و همکاران و دوستانه کتبی سالی عضو را از طریق کتبه کار - ساواک - تکیه به سازمان ارسال نماید. مدار کتبی سالی و کتبه بر بوطه در زمین کتبی سالی چاپ خواهد گردید. فرم اشتراک به منویست سازمان و نامتهمان اشتراک در کتبه سوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به نشانی "کار" ارائه گردیده است.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد



کدام جنگ عادلانه است؟

تحت تعقیب و آزار قرار میدهد، آذربایجان را سرکوب می کند بزدان می اندازد، اعدام می کند، آذربایجان را ستم انقلابی، وابسته به امپریالیسم و طرفدار رژیم ستم جمهوری اسلامی معرفی می کند، اما کمونسلیستها که همیشه حقیقت را ب مردم می گویند، لحظه ای در انجام وظائف انقلابی خود درنگ نمی کنند، و ما همیست ارتجاعی رژیم عراق و جنگ موجود را افسانه می کنند. اما رژیم جمهوری اسلامی نیز ادعای کند که این جنگ را رژیم نجات کار عراق برافروخته، و خود سهمی در برافروختن آن نداشته است و این جنگ از جانب جمهوری اسلامی جنگی عادلانه و در خدمت منافع توده های زحمتکش ایران است. در اینجا نیز وظیفه نیروهای انقلابی و آگاه جامعه است که ماهیت جنگ را نه آنطور که رژیم جمهوری اسلامی ادعای کند بلکه آنگونه که واقعاً هست برای توده های زحمتکش بویژه طبقه کارگر ایران توضیح دهند، حقایق را ب مردم بگویند و از هرگونه سرکوب و برجسی نیز هراسی بخود راه ندهند.

سازمان ما که همیشه از موضع طبقه کارگر و منافع توده های زحمتکش حرکت کرده است، از آغاز جنگ کوشیده است که ماهیت این جنگ را برای توده های زحمتکش ایران توضیح دهد، ادعاهای هر دو طرف را افسانه کند و وظیفه انقلابی خود را در قبال طبقه کارگر ایران و زحمتکشان دیگر انجام دهد.

در این مقاله ما سعی می کنیم ماهیت ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی را برای کارگران ایران روشن سازیم و نشان دهیم که این جنگ همانگونه که از جانب دولت عراق جنگی غیر عادلانه و برخلاف منافع توده های زحمتکش عراق است، از جانب دولت ایران نیز غیر عادلانه و برخلاف منافع توده های زحمتکش ایران است و بطور کلی این جنگ نهماهیتی انقلابی بلکه ماهیتی ارتجاعی دارد.

ما از این نقطه آغاز می کنیم که جنگها ببرد و دستمانند، جنگهای عادلانه، انقلابی، برحق و مترقی و جنگهای غیر عادلانه و ارتجاعی، مثلاً در جنگ کارگران علیه سرمایه داران در جنگ خلقهای تحت ستم علیه امپریالیسم و پانگاهد اخلی آن، سرمایه داران وابسته، جنگ از جانب کارگران، توده های زحمتکش و خلقهای تحت ستم جنگی عادلانه، انقلابی و برحق است. زیرا که این جنگها به کوناه شدن دست استثمارگران، غارتگران و استثمارگران می انجامد و کارگران و زحمتکش و خلقهای تحت ستم را بر سر نوشت خویش حاکم میسازد.

اما جنگ امپریالیستها علیه خلقهای تحت سلطه جنگ سرمایه داران علیه کارگران، جنگ دولتهای امپریالیستی و وابسته علیه یکدیگر، جنگهای غیر عادلانه و ارتجاعی اند، زیرا که هدف از این جنگها کسب منافع سودهای بیشتر برای سرمایه داران، تقسیم غنائم ناشی از غارت و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکش و خلقهای تحت ستم و جاه طلبیهای دیگر آنهاست. این جنگها هیچ نمره ای و هیچ منفی برای کارگران و خلقهای تحت ستم ندارند و جز فقر و فلاکت و استثمار هر چه بیشتر نتیجه ای ببار نمی آورد.

حال ببینیم جنگی که بین دولتهای ایران و عراق در گرفته است، در زمره کدام یک از این جنگهاست. ما قبلاً خاطر نشان ساختیم که رژیم ارتجاعی عراق دست بجنگی زده است که در خدمت منافع سرمایه داران، استثمارگران و امپریالیسم جهانی قرار دارد. این جنگ در جهت منافع خلقهای تحت ستم عراق نیست و از این رو ارتجاعی و غیر عادلانه است. اما دولت جمهوری اسلامی مدام از راه دیپلماتیک و مطبوعات خود تبلیغ می کند که جنگ ایران جنگی عادلانه است و باید همه کارگران و خلقهای ایران در این جنگ شرکت کنند و از همه چیز خود دست بشویند، تا استقلال جمهوری اسلامی حفظ شود.

رژیم جمهوری اسلامی مدعی است که این جنگ نه نتیجه سیاستهای دودولت ایران و عراق، نه نتیجه تضاد منافع بورژوازی ایران و عراق و جاه طلبیهای آنهاست. سیاستی که معنای منافع توده های زحمتکش و کشور بوده است و تلاش در برانحرف کردن مبارزه توده ها در شرایط نارضایتی و بحران موجود در دو کشور، نه جنگی که برنده واقعی آن امپریالیسم جهانی و سرمایه داران وابسته دو کشور است، بلکه جنگی است که از جانب ایران علیه امپریالیسم صورت می گیرد از این رو عادلانه است. ماقبلاتی چند شماره گذشته "کار" ضمن بررسی ماهیت جنگ، جوانب مختلف آن و نیروهای که از آن سود می بردند، بررسی کردیم، اکنون لازمست با تفصیل بیشتر این مسئله را بررسی کنیم. برای اینکه ببینیم آیا این جنگ جنگی بر علیه امپریالیسم و عادلانه و به نفع کارگران و زحمتکش ایران و عراق است یا نه، باید تا ثمرات این جنگ را از نظر اقتصادی - سیاسی - اجتماعی بررسی کنیم.

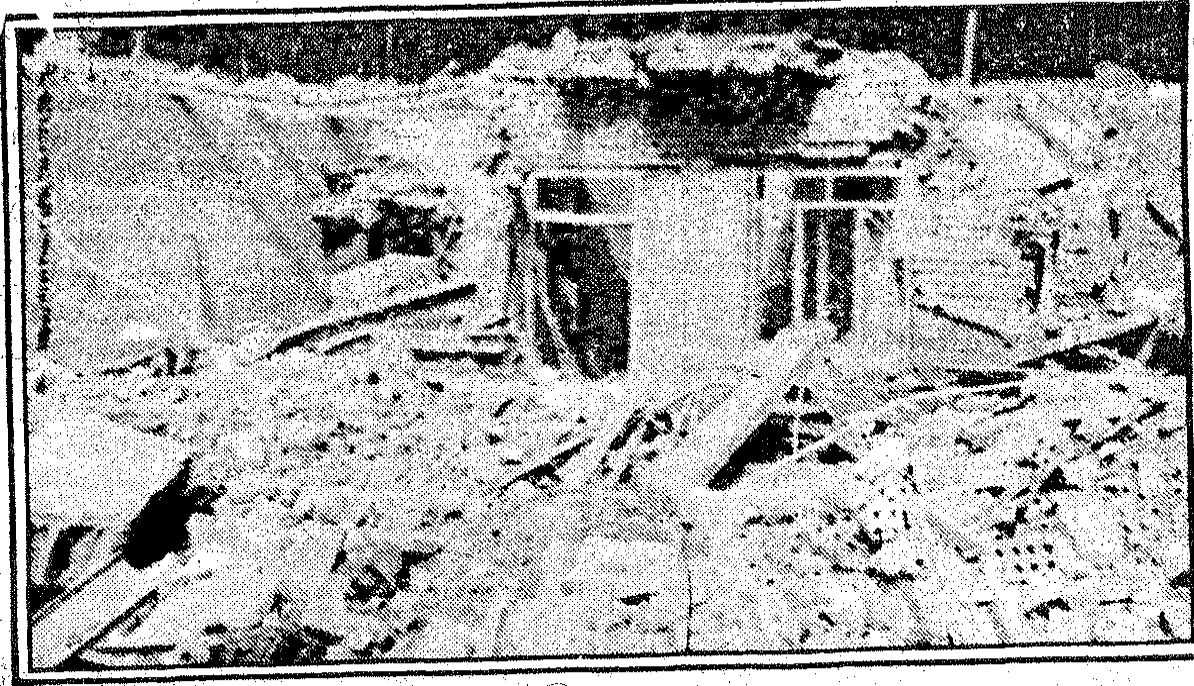
اکنون تقریباً یکماه از آغاز رسمی جنگ ایران و عراق میگذرد و در دیپلماتیک و مطبوعات حکومتی خبر از بمبارانهای مداوم ایران در عراق و عراق در

ایران میدهند و البته بمبارانها با تعداد کشته شدگان و زخمیها و دستگیر شدگان و فراریان و غنائم جنگی ای که بدست ارتش ایران افتاده، بسیار حرف می زنند ولی بیها نهضت شدن روحیه مردم و ارتش، از تعداد کشته شدگان و زخمیها و دستگیر شدگان و فراریان ایران به عراق و غنائم جنگی عراق هیچ چیز نمیگویند و مردم را در بی خبری محض نگه میدارند. ولی خانواده های کارگران و دهقانان و زحمتکشان بخوبی از مرگ و میر فرزندان نشان با خبرند چون هر روز این سربازان هستند که دسته دسته بجای آنکه در مزارع و کارگاهها و کارخانه ها کار روند گی کنند بخاطر اهداف غارتگرانه سرمایه داران به مسلخ فرستاده میشوند و قصابی میشوند. سربازان، فرزندان همین کارگران و دهقانان و زحمتکشانی هستند که با کربسبکی و فقر و هزاران بختی بزرگ شده اند و اکنون در این جنگ کشته میشوند. آنها را در مرزها به جلوی تانکها و توپها و خمپاره ها میفرستند و پدران و مادران و خواهران و زنان و کودکان بی دفاع و بی سلاح آنها بدون کوچکترین وسیله دفاعی در شهرها و روستاها بمباران می شوند.

در یک جنگ عادلانه، اول وقت از هر چیز باید تمام کارگران و دهقانان و زحمتکشان مسلح شوند. و بینام قهرمان را بسا دینا ورید! و بینام قهرمان بر علیه امپریالیسم می جنگید نه حکومت جمهوری اسلامی که کشتار بزرگانه مردم را در اثر بمبارانهای هر روز می بیند و هیچ اقدامی برای مسلح کردن مردم نمیکند و پناهگاه نه بسیار دود دفاع غیر نظامی را سازمان نمی دهد.

در جنگهای عادلانه، دولت همزمان با مسلح کردن کارگران و دهقانان و زحمتکشان بلا استثناء، بلا فاصله، با تمام نیروهای پشت جبهه پناگاههای محکم و مطمئن برای مردم میسازد، نه آنکه اینگونه هموطنان زحمتکش ما بی پناه و بی سلاح در زیر خوارها خشت و گل قربانی شوند.

بفیه در صفحه ۸



با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

کدام جنگ عادلانه است؟

بقیماز صفحه ۷

اینست اولین نمره جنگ ایران و عراق؛ کشتار بیرحمانه فرزندان کارگران و زحمتکشان دوشوردر جبهه، و مرگ هزاران خانواده کارگران و زحمتکشان در زیر خروارها خشت و گل!

دومین نمره جنگ ایران و عراق تاکنون، گرانی سرسام آور ما یحناج اولیهمردم است که معلوم نیست تا کجا بیشتر و بیشتر خواهد شد.

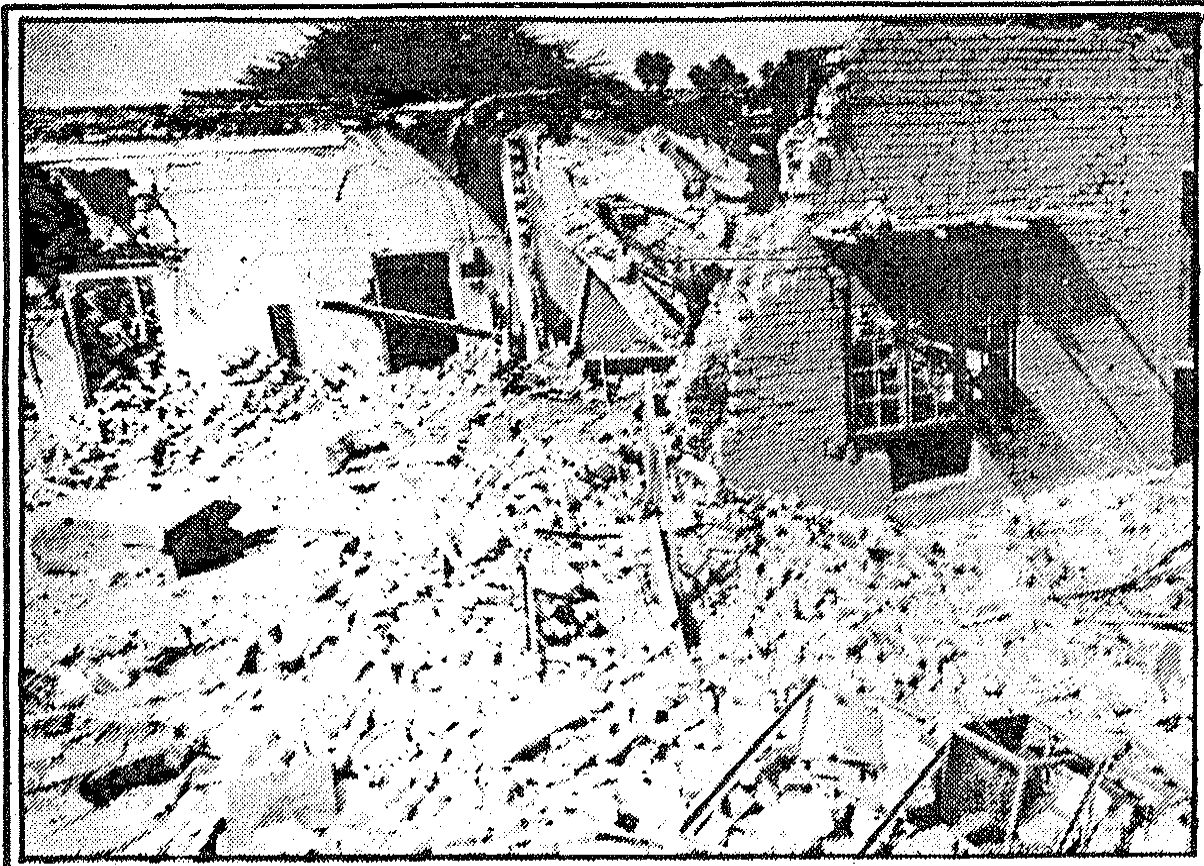
سرمایه داران حامی حکومت جمهوری اسلامی در پناه قانون، بانکها، اعتبارات و وامها و کمکات، و در پناه سرنیزه های نیروهای مسلح آن هر روز از روز پیش (از بعد از قیام تاکنون) قیمت اجناس و ما یحناج ضروری مردم را بالا میبرند، احتکار میکنند و بدین وسیله بخش اعظم درآمد ناچیز کارگران و زحمتکشان را به جیب گشادشان سرازیر میکنند. این مسئله را کمی بیشتر بشکافیم.

مادر "کار" ۷۸ در مقاله ای تحت عنوان "ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق" صراحتاً گفتیم که "بورژوازی این دو کشور هم از شرایط جنگ و هم از شرایط پس از جنگ به بهترین وجه بهره میگیرند و سودهای کلانی به جیب میزنند، و همچنین گفته بودیم که "بار این جنگ اتوده ها باید تحمل کنند، آنها باید هزینه خرابیها، گرانی، افزایش مالیاتها و مخارج جنگی را متحمل شوند."

اکنون پس از مدت کوتاهی که آزار جنگ می گذرد سرمایه داران ایران نمی توانند شادی خود را از این مسئله پنهان دارند، سرمایه داران وابسته با تکیه بر توهم توده ها بیشترین بهره گیری از جنگ مینمایند. تجار با دست زدن به احتکار و بالا بردن بی رویه قیمتها و با تکیه بر شرایط جنگی و روی آوردن مردم به ذخیره سازی، سودهای میلیونی کسب می کنند. صاحبان صنایع یعنی سرمایه داران صنعتی با فشار بر کارگران و بهره برداری از توهم آنها، در جهاستثمار را شدت داده و تولید هر چه بیشتر را در دستور قرار داده اند. در عین حال که بیشترین امید خود را به هنگام بازسازی صنایع بسته اند تا سودهای ملیونی از "بیت المال" نصیب خود گردانند.

این روزهای فریادهای شادی سرمایه داران از لابلای ستور و نوشته ها بیرون میزند. "جامعه بازرگانی و صنعتی ایران" در قطعنامه "اجلاسیه عمومی بازرگانان و مدیران صنایع" در عین "سپاس و تحسین در برابر قدار کار بهیسا و جانبازیهای بی نظیر"

تمام کسانی که میجنگند "با نهایت میل و افتخار" قبول میکنند که در جهت رفع کمبودها و تأمین نیازمندیهای جامعه... از هیچگونه مجاهدت و کوشش فروگذار ننمایند "سخن مشخص است و احتیاج به توضیح ندارد تجار و صاحبان صنایع و کلا "سرمایه داران با نهایت میل" قبول کرده اند که استیضاهای خود را بالا بزنند و تا میتوانند از کرده کارگران کار بکشند و تولید را بالا ببرند تا بتوانند "کمبودها و نیازمندیهای جامعه" را تأمین نمایند. فقط در این راه "مقداران کمی" نیز سود بجیب بزنند. البته سرمایه داران محترم این کارها را نه بخاطر سود و افزایش سرمایه بلکه در راه میهن و اسلام انجام میدهند بخصوص که "واعظ شهید استاد فلسفی!"



کارگران متعهد و مسلمان را به کار و تولید بیشتر فرا میخوانیم "پس از تجلیل و تمجید از کارگرانی که بدون هیچگونه چشمداشت "با اضافه کاری بدون مزد و با کار در روزهای تعطیل رضایت خاطر همه (علی الخصوص سرمایه داران) را فراهم آورده اند از "سایر کارگران کارخانجات ایران" نیز می خواهد که به این ندا پاسخ مثبت دهند و با از خود گذشتگی هر چه بیشتر و بدون هیچگونه چشمداشت تا میتوانند تولید را بالا ببرند.

(نقل قولها از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ مهر) کلا در زمینه اقتصاد دی یکی از بالاترین زمینه های بهره برداری سرمایه داران (عمدتاً صنعتی) در مقطع برقراری و ارائه جنگ دامن زدن "تب تولید" است. باید کارگران بفهمند که تولید یعنی خدمت به وطن، دفاع از میهن، دفاع از اسلام و شرف و ناموس و... خلاصه تولید یعنی همه چیز ولی نباید کارگران بفهمند که این تولید در خدمت منافع چه کسی نیست، سودش به جیب چه کسی می رود؟ نقش امپریالیسم در این میان چیست و چه فایده ای به توده های محروم می رسد؟ دامن زدن به "تب تولید" علاوه بر بالا بردن در جهاستثمار و افزایش فشار بر کارگران "محاسن" دیگری نیز دارد و از جمله اینکه دیگر نمیتوان به صراحت از تمام سرمایه داران که هدفشان تولید و "خدمت به میهن" است حمایت کرد. دیگر استناد را صفهان نمیتوانند بر احوال "طلی اطلاعیه ای از کلیه اشخاص و شرکتهای که قصد تأسیس واحدهای صنعتی و تولیدی دارند" بخواهد که هر چه زود تر و سریعتر اقدام نمایند و به آنان اطمینان بدهد که "بانک استان تسهیلاتی از نظر پرداخت وام از بخش خصوصی تعاونی فراهم نموده" (نقل قولها از روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۳ مهر) در عین حال که آقای نعمت زاده وزیر صنایع و معادن نیز صراحتاً میگوید "مسأله مهمی که اکنون در ارتباط با صنایع مطرح است مسأله مالکیت میباشد. ما امیدواریم مسأله مالکیت بخش خصوصی هر چه زود تر بشکست عملی تری در مجلس مطرح شود تا افرادی که علاقمند به سرمایه گذاری های تولیدی هستند به انجام آن مبادرت ورزند در حال حاضر افرادی که سرمایه های

نیز طی بیانات خود در این اجلاس به نام تکلیف نموده که "بازاریان یکبار دیگر باید نظیر همان روزهای انقلاب محور و مرکز نقل همکاری و از خود گذشتگی باشند". (نقل قولها از روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۴ مهر) ما قبلاً نیز گفته بودیم که در شرایط اوگیری مبارزه توده ها حتی سرمایه داران نیز دم از حمایت از انقلاب و مبارزه با امپریالیستی میزنند و اکنون روشن میشود که این ز الوه های خونخوار نه تنها در این شرایط بهره کشی و استثمار خود را تحت نام مبارزه در راه اسلام و میهن و خدمت به مردم انجام میدهند بلکه دوقورت و نیمشان هم با قبست و خود را نیز "محور و مرکز ثقل" انقلاب میدانند.

از سوی دیگر مهندس نعمت زاده وزیر جدید صنایع و معادن با زبانی بسیار "شیوا" و بدون کوچکترین پرده پوشی شادی سرمایه داران و همچنین اهداف مشخصی آن را از جنگ بیان می کند و میگوید "مصاحبه مطبوعاتی خود در روز یکشنبه ۱۳ مهر با صدایی رسا میگوید "برای استقلال کشور باید هر چه بیشتر تولید کرد" وی در مورد اوضاع اضطراری فعلی نیز می گوید این جنگ تحمیلی از لحاظ اقتصادی و پر از خیر و برکت برای ما است... زیرا اکثر کشورهای پیشرو صنعتی مثل ژاپن در اثر جنگ نتوانستند نیازهای واقعی خود را دریا بند و استعداد های خود را ظهور و نوآوری کردند. نقل قولها از جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۴ مهر. تصور نمی رود هیچ سرمایه داری بتواند شادی خود را صریح تر از این بروز دهد: خیر و برکت های جنگ که ملاروشن است تا زمانی که جنگ ادامه دارد با اعمال فشار و بالا بردن در جهاستثمار و تولید هر چه بیشتر و همچنین احتکار و ایجاد بازار سیاه سودهای کلان را به جیب خواهیم زد و بعد از تمام آن نیز مانند کشورهای پیشرو "مثل ژاپن" با استفاده از وامها و کمکهای میلیونی کشورهای امپریالیستی میتوانیم این خیر و برکت را تکمیل کنیم. بلکه این روزها با تشدید جونا سیونالیستی در توده ها لحن بورژوازی نیز صراحت بیشتری بخود گرفته است. روزنامه جمهوری اسلامی نیز از این قافله عقب ننماید ما است.

ارگان حزب جمهوری اسلامی در مقاله "ما

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

کدام جنگ عادلانه است؟

بقیماز صفحه ۸
خود را در امور غیر تولیدی بکار می برند . . . در واقع هیچ خدمتی را به انقلاب نمی کنند. (جمهوری اسلامی دوشنبه ۴ مهر)

پس مساله بشکل اخلاصه چنین است: سرمایه داران محترم بشنا بید که جنگ است. سرمایه های خود را بکار ببندازید و هر چه بیشتر تولید کنید. در اینجا زمینه هر کم و کسری که دارد بیا بید با نگاه به شما کم می کنند. کارگران عزیز شما هم بشنا بید تمام نیروی کار خود را بکار ببرید جنگ است برای خدمت به میهن بدون هیچ چشمداشتی تا میتوانید تولید کنید که عین صواب است. بهیچوجه فکر و نرزی خود را به مسائل بوج مشغول نکنید اصلا نپرسید سرمایه سال کیست، سود به جیب چه کسی می رود این همه تولید در خدمت کیست، سهم ما چه میشود پس چرا این همه تولید روز بروز گرانی، کمبود، فقر فشاری چیزی افزونتری شود. این مسائل برای بعد فعلا جنگ است و باید تولید کرد. بلبه اینست شکر دکتیف سرمایه داران و حامیان آنها.

بخاطر تمامی این علل است که درست در زمانی که کارگران و زحمتکشان در زیر بار گرانی فقر، کمبود اجناس اولیه زندگی، نبودن برق و بنزین کلیه ما محتاج اولیه کم رخ کرده اند. درست در زمانی که غول تورم و گرانی هر چه بیشتر چهره کریه خود را به زحمتکشان نشان میدهد فریادهای شادی مدافعین سرمایه داری بهوا بر میخیزد که "ا ما رو بهم رفته اثرات جنگ تا بحال از نظر ما مثبت بوده، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ نظامی و شاید در دراز مدت از لحاظ اقتصادی هم بتواند برای ما مفید قرار گیرد. (مصاحبه مطبوعاتی هاشمی رفسنجانی - جمهوری اسلامی ۱۵ مهر)

این است نتیجه جنگ دولتهای ایران و عراق برای کارگران و زحمتکشان ایران. در حالیکه در جنگهای عادلانه، خوار بار و محتاج اولیه مردم بوسیله شوراها و مسلح کارگران و زحمتکشان جیره بندی و کنترل میشود و هیچ سفره های با سفره دیگر تفاوت ندارد. نه آنکه مثل حالا هیچ کنترلی بر مصرف ما محتاج و تقسیم عادلانه آن حکمفرما نباشد و دست سرمایه داران در بالا بردن قیمتها آنچنان باز باشد که هر لحظه فحطی مصنوعی کارگران و زحمتکشان را تهدید کند. سفره های سرمایه داران و اغنیاء جنگ را هیچ نشنا سد و فقط سفره کارگران و زحمتکشان باشد که روز بروز کوچکتر و کوچکتر میشود.

در جنگهای عادلانه، تجار و سرمایه داران فرار را بر قرار ترجیح میدهند چون تمام انبارهای آنها توسط شوراها و مسلح کارگران و زحمتکشان مصادره شده و تحت نظارت و کنترل مستقیم قرار میگیرند. و بنام قهرمان را بیا دینا و پیدا و بنام قهرمان بر علیه امپریالیسم می جنگید نه حکومت جمهوری اسلامی که هر روز از روز پیش دست تجار و سرمایه داران را برای غارت مردم بیشتر و بیشتر باز میگذارد.

سومین شماره این جنگ تاکنون، اختناق و سانسور مطلق بر تمام روزنامه های علنی و رادیو و تلویزیونها و سایر وسایل ارتباطی است. این اختناق و سرکوب در حدی است که حتی افراد سازمانها و گروهها بی راکه بنا بموظفین انقلابی خویش برای اطلاع مردم از حقایق

دست به افشای ماهیت این جنگ و غیر عادلانه بودن آن میزنند بعنوان شایعه برای کن و ضد انقلاب بیه دادگاههای صحرایی ارتش مزدور میفرستند. اختناق و سانسور در حدی است که کارگران و زحمتکشان ایران از بمباران و حشیا نه کردن استان بوسیله فانتومهای ارتش ایران بی خبرند، بی خبرند که چگونه حکومت جمهوری اسلامی، خلق بی پنا و حق طلب کرد را کشتار میکند و در هر پرواز فانتومهای ارتش ایران به عراق، همزمان بمبهای آمریکائی را بر سر زحمتکشان عراق و کردستان ایران فرود می ریزد.

در جنگهای عادلانه، رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی آزاد است و بدست شورای کارگران، زحمتکشان و سر بازان اداره میشود و تمامی اخبار اعم از آنکه مربوط به پیروزی دشمن یا خودی باشد بخش میشود برای آنکه مردم باید بدانند که دشمن تا کجا پیشروی کرده است و در چه حدی قدر تمند است تا پیش بینی های لازم برای دفاع و عقب راندن آن سازمان داده شود. نه آنکه عراق دهها کیلومتر بدون خاک میهن ما آمده باشد و شهر های ما را با توپ با خاک یکسان کند و مردم وقتی با خبر شوند که سقفهای گلی بر سرشان خراب شده باشد.



در جنگهای عادلانه، هر کارگر، هر دهقان، هر سرباز و هر زحمتکش خود شیک خیرگزاری تمام عیار است و بلافاصله، اخبار و اطلاعات مربوط به دشمن و وضع نیروها را با هر وسیله ای که بتواند به مردم میرساند و از همین طریق است که همواره در این جنگ های عادلانه اگر پرنده ای در هر کجای کشور پرواز کند خیرش را در مدت کوتاهی از رادیو و تلویزیون و مطبوعات بخش میکنند چون تمام مردم خبر نگارند. و بنام قهرمان را بیا دینا و پیدا و بنام قهرمان بر علیه امپریالیسم می جنگید که هر کدکش، هر کارگر و دهقان و هر سرباز شیک خبر نگار خیره بود و مردم از همه چیز با خبر بودند نه حکومت جمهوری که با سانسور و اختناق کامل، مردم را بسوی رادیوهای مزدور امپریالیسم هل میدهد و راستگویان و حقیقت جوین را به دادگاههای صحرایی میفرستد.

در جنگهای عادلانه، برای تولید هر چه بیشتر و

بدست آوردن استقلال اقتصادی، کارخانهها و سایر مراکز تولیدی بدست شوراها و مسلح کارگران اداره میشود و تولید و توزیع مستقیما زیر نظر آنها قرار میگیرد تا دست سرمایه داران برای چپاول و اختگر قطع شود و مردم به فحطی و گرسنگی دچار نشوند. ولی آیا اکنون در کارخانهها و مراکز تولیدی ما چه میگذرد؟ کارفرمایان و مدیران دولتی به بهانه جنگ شورا های واقعی را منحل و نمایندگان کارگران را بزندان می اندازند و یا از کارخانهها اخراج میکنند و شورا های فرمایشی و دست آموز خود را از جاسوسان و خیانتکاران به کارگران و مزدوران رژیم شاه تشکیل میدهند. ساعات کار را افزایش میدهند و بیبها نه بی پولی بانکها! حقوق ناچیز کارگران را نمی پردازند و با کوچکترین اعتراض، کارگران را بیکار می کنند و آنها را به بستن کارخانه تهدید می کنند. به بهانه جمع آوری کمک برای جنگ زده ها باز هم از حقوق ناچیز آنها می دزدند. خبر چینان و جاسوسان را بر کارخانهها حاکم کرده اند و هر صدای اعتراض میز و حق طلبانای را با مهر ضد انقلاب خفه میکنند و بزندان می اندازند. در جنگهای عادلانه هرگز حکومتی برای جنگ با امپریالیسم بر سر خلقهای تحت ستم کشور خویش بمب نمی ریزد و آنها را قتل عام نمیکند. جنگ بر علیه امپریالیسم باید برای خلق کرد و سایر خلقهای تحت ستم ایران صلح و دوستی بهار مغان بیاورد نه تشدید بمباران و ویرانی و ستم. جنگ بر علیه امپریالیسم یکپارچگی و اتحاد خلقهای یک کشور را بر علیه امپریالیسم به همراه می آورد نه پراکندگی و جدائی و تشدید بمباران آنها را. بنا بر این می بینیم که جنگ از جانب دولت ایران نیز جنگی عادلانه و علیه امپریالیسم نیست، از این رو باید به مردم ماهیت غیر عادلانه این جنگ را توضیح داد و روشن کرد که دولت جمهوری اسلامی هدفش قطع وابستگی امپریالیسم نیست چون با ادامه جنگ و خریدهای سرسام آور اسلحه از دلان بین المللی فقط جیب امپریالیسم پر تر و کشور ایران وابسته تر میشود.

باید برای مردم روشن کرد که کارفرمایان بیبها نه جنگ از کارگران ۱۲ ساعت در روز کار میکنند و بیبها نه بی پولی بانکها! حتی حقوق ناچیز آنها را نمی پردازند.

به بهانه جنگ، تمام مزدوران و مسئولان کشتار میدان شهداها را از سوراخها نشان بیرون آورده اند و برایشان مارش پیروزی می نوازند و بر سر نوشت مردم مسلط کرده اند، بار دیگر مزدوران هوا نیروز شاه پشت فانتوم ها و هلیکوپترهای کبری می نشینند و همانند ارتش مزدور عراق که مناطق مسکونی و مردم بی دفاع ایران را بمباران می کنند، مردم بی دفاع عراق و خلق قهرمان کرد را بمباران میکنند و فردا تمام ایران را!

به بهانه جنگ، وحشت و اضطراب و خفقان و سانسور و کشتار را بر کشور مسلط کرده اند و دست تجارت و محترکان و سرمایه داران را برای چپاول و غارت بیشتر باز تر گذاشته اند.

باید توضیح داد که دولت سرمایه داران وابسته چگونه بیبها نه جنگ عادلانه مردم را فریب میدهد و جیب امپریالیستهارا پر تر میکند و وابستگی اقتصادی را شدید تر میکند.

نیروهای انقلابی و آگاه باید آینه این جنگ را برای مردم توضیح دهند و بگویند که فردا به بهانه های رنگارنگ باز سازی صنایع سیل شرکتهای چند ملیتی و مزدوران سرمایه های امپریالیستی از زاپنی و فرانسوی و انگلیسی گرفته تا آمریکائی و آلمانی و . . . به کشور سرازیر خواهند شد و بیبها نه ترسیم جنگ، ساعات کار کارگران را هر چه بیشتر افزایش خواهند

بقیه در صفحه ۱۰

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۹

دو بیسپانه خالی بودن خزانه دولت حقوق آنها را هر چه کمتر خواهند کرد. قیمتها را بیست برابر بالا خواهند برد، مالیاتها را چند برابر تر میکنند و هر صدای اعتراض را با گلوله خفه خواهند کرد.
کارگران و زحمتکشان باید بدانند که این جنگ به نفع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران وابسته ایران و عراق و دلالان بین المللی اسلحه، بنفع ارتشهای ضد خلقی ایران و عراق و به نفع جیا و لگران و کارفرمایان و به ضرر کارگران و دهقانان و زحمتکشان دو کشور است.
کارگران ایرانی باید بدانند که کارگران عراقی برادران آنها و سرمایه داران وابسته عراق و ایران دشمنان آنها هستند و تنها دولت ایران و عراق و امپریالیسم جهانی است که از این جنگ سود می برند. آنها باید بدانند که ارتش مزدوری که چماق برکوب

وطن فروسی چون شاه بود نمیتواند وطن پرست بوده و منافع مردم را در نظر داشته باشد. آنها فقط در جنگهایی که به نفع سرمایه داران باشد شرکت میکنند. سرمایه داران و ارتش مزدوران آنها هرگز وطنی جز پول ندارند!

سازمان ما بر این عقیده است که فقط کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و سازمانهای انقلابی آنها قادرند با امپریالیسم بجنگند و بوزنجی را خاک بمالند. خلقی که رهبریش را شورا های انقلابی کارگران و دهقانان و زحمتکشان و سرایان بعهده داشته باشد میتواند با امپریالیسم بجنگد نه فلاحتی ها و وظهیر نژادها و ...

باید مردم توضیح داد که دولتی که با امپریالیسم می جنگد از مسلح کردن مردم هیچ ترسی ندارد چون فقط مردم مسلح و متشکل در شوراها می توانند متشکلند که بشنوند و نیروی اصلی جنگ بر علیه امپریالیسم هستند. وینتام فهران نمونه غیر قابل انکار است. برای آنکه روشن شود که آیا هدف ستاد مشترک ارتش ایران از این جنگ، مبارزه با امپریالیسم است یا مبارزه با مردم باید به اطلاعیه ای که ستاد مشترک در باره خلع سلاح مردم صادر کرده توجه داشت چگونه میتوان با امپریالیسم جنگید ولی دستور خلع سلاح مردم را داد؟ آیا این چیزی جز فریب مردم است؟ مردم را برای چه خلع سلاح میکنند؟ برای آنکه بسوی

امپریالیسم شکیک نکنند؟ یا برای شلیک نکردن به میگهای عراقی؟ آنها برای آن مردم را خلع سلاح می کنند که فردا چون روزهای خونبار انقلاب، مردم بی دفاع را به گلوله ببندند و هر صدای اعتراضی را براحتی و بدون درد سر با در گلو خفه کنند.

بنابرین ما حق داریم که جنگ دولتهای ایران و عراق را جنگی از هر دو سو غیر عادلانه بدانیم که تنها بنفع امپریالیسم و سرمایه داران وابسته دو کشور است و نه بنفع توده ها و نه در جهت رهایی از یوغ ستم و وابستگی.

ما حق داریم که از کارگران و زحمتکشان ایران و عراق بخواهیم که با تمام قوا ما هیت این جنگ را افشا کنند و از پیوستن به جنگ دو دولت خودداری کنند اما در عوض مستقلا متشکل و مسلح شوند، و در مقابل هر گونه تهاجم و یوغ ستمی بدفاع مسلحانه برخیزند، زیرا تسلیح مستقل توده ها بمعنای شناختن حق خلقها در تعیین سرنوشت خود و بمعنای اعمال اراده توده های تحت ستم است. تنها توده های مسلح و متشکل در ارگانهای توده ای نظیر شوراها از منافع خود و از میهن خود دفاع می کنند و جنگی عادلانه را پیش می برند و نه ارتشهای ایران و عراق.



اعلام حمایت بخشی از کارگران پیشرو و جنوب تهران

هموطن دلیر، کارگران رزمنده و مبارز

اکنون نزدیک دو سال است که از قیام پرشکوه خلق ما در ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه میگذرد. دستان توانای کارگران و اقشار زحمتکش بزرگ و ایسته وارد آورد.

ارگان سازی فعلی که نماینده سرمایه داران متوسط و وابسته میباشد با بهره گیری از قیام توده های زحمتکش و متکی بر توهمات آنها قدرت را بدست گرفته و در این مدت هر چه توانستند علیه کارگران و زحمتکشان انجام دادند. از استقرار نیروی ویژه در کارخانه ها گرفته تا تصویب قوانین ضد کارگری. حاکمیت ما هیتها و بورژوازی با تکیه بر ارگانهای واقعی قدر و نیروی نه سرکوب کارگران و توده های زحمتکش چه در غرب کشور و چه در شمال و چه جنوب افزوده و ما هیت ضد خلقی خود را غربی تر میکند. جای تاسف است که در چنین شرایطی ابورتونیست ها و در رأس آنها "کمیته مرکزی" سعی در مخدوش کردن صف بندی طبقاتی نموده و بجای تکیه بر مبارزه طبقاتی، نغمه سازش طبقاتی را میسرازند. ولی مبارزه طبقاتی را اجازه دیگری جز این نیست هر نیرویی میباشد در جایگاه خود قرار گیرد. "کمیته مرکزی" ابورتونیست همواره از بسا سخمشخص درباره ما هیت حاکمیت طفره میرفت تا سرانجام پس از اشغال سفارت ثنوری نیمه خلنی - نیمه ضد خلقی را ابداع کرد و با اواخر با انتشار (کار ۵۹) حکومت ضد خلقی را حکومتی بکیار چه ملی معرفی نمود.

شاید "کمیته مرکزی" برای آستان بوسی بورژوازی بقدری تند بود که شخصی چون بهشتی را نیز غافلگیر کرده بود و بقول خودش هنوز نتوانسته بود با آنها اعتماد نماید.

"کمیته مرکزی" همواره بنا و وعده مبارزه ایدئولوژیک را میداد ولی هیچوقت نتوانست و نخواست آن تن دهد. اکنون دیگر همه رفقای کارگر ما روشن شده که آنها بجز دروغ و وعده و وعید چیزی برای ما نداشته اند. ما همواره با این فکر بودیم که سرانجام ابورتونیست ها غلطیدن به سوسال شوونیسم است و این موضوع هم با آغاز جنگ ما هیتها ارتجاعی دولت عراق و دولت ایران نیز بخوبی و وضوح کامل عیان شد. اکنون کمتر کسی است که نداند جنگ جزو سرنوشتی و خانه خرابی، فقر و بچا رگی، چیزی عاید زحمتکشان و توده های مردم نمیکند. ابورتونیست ها ما را دعوت بدفاع از میهن بورژوازی میکنند و میدانند کارگران و زحمتکشان ایرانی و عراقی هر دو علیه بورژوازی به مبارزه برخاسته اند.

ما سوال میکنیم آقایان ابورتونیست ها شما هم مثل کاغوشکی ها روی تصویب بودجه نظامی بنی مدر، رجایی و بهشتی صحنه میگذارید یا نه؟ شما مجبورید روی تمدید قرارداد های نظامی صحنه بگذارید. چون کاری ندارید بجز تقویت بورژوازی و جلوگیری از گسترش و اوج گیری مبارزه طبقاتی.

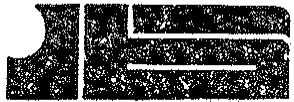
ما دیگر دنیا له روی از شما نخواهیم کرد. ما نمیتوانیم با تائید سیاست های شما به طبعه خود خیانت کنیم. ما از آموزگارانمان آموخته ایم که نقطه اوج ابورتونیسم، سوسال شوونیسم است و اکنون که این را خودمان بعیان دیده ایم، جدا غی کا مل خود را از شما اعلام میکنیم و با پیوستن به انقلابی ترین جریان موجود یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، با تامل توان خود سعی در پیشبرد مبارزه طبقاتی و افشای شما خواهیم کرد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پ

برقرار باد پرچم ظفر نیون انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران بر رهبری طبقه کارگر
نابود باد حبه سازشکاران و فرصت طلبان

بخشی از کارگران پیشرو و حوزه جنوب تهران

تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است



هفته‌های سرخ کارخانه

ضرورت و نقش اتحاد مبارزه

با این بیان، بنظر میرسد که عملکرد دیکساله "کمیته کارگری" سازمان باید اصولی بوده باشد، چون گویا بر اساس رهنمود بالا هر جا که رفاقتستان رسید یک هفته دند! ولابد دل خوش می کردند که بر اساس رهنمودهای کمیونسم بین الملل حرکت می کنند! اما ببینیم کمینترن در قسمت دیگر مصوبات سومین کنگره خود چه گفته است:

"نیاید در ابتدای کار تعداد زیادی هسته یا گروههای کارگری ایجاد گردند. اول باید ایمن موضوع در موارد کوچک ثابت کرد که هستههایی که در کارخانجات و اتحادیههای کارگری مختلف تشکیل شده اند، بطور کامل مشغول عمل می باشند، و گروههای کارگری لازم در دیگر شعبات اصلی فعالیت های حزبی بوجود آورده شوند تا اندازه ای مستحکم گردیده اند (مثلا در موارد اطلاعات، ارتباطات، جنبش زنان و یا بخش ایجاد تهییج، کار روزنامه، جنبش قشربیکار و غیره)".

رهنمود فوق بخوبی روشن می گرداند که نه تنها در ابتدای کار نباید هستههای کارگری زیادی ایجاد کرد بلکه بجای گسترش سطحی خود باید به تعمیق کارها پرداخته و کیفیت کار اکثرش دهیم. یعنی پس از زدن هستههای اولیه باید در زمینه کارهای جمع - آوری اطلاعات، تبلیغ و نفوذ در دیگر ابعاد فعالیت - کارگری - بپردازیم، مسئله ای که "کمیته کارگری" سازمان در گذشته نادیده گرفته بود. مثلا کارگران بیکار، آن بخشی است که سازمان در گذشته بدان توجه درست و حسابی نکرد، همچنین در رابطه با مسئله تشکل زنان نیز حرکت اساسی ای صورت نگرفته، چه رسد به اینکه به ایجاد گروههای کارگری درون آن توجه شود. اما سئوالی که مطرح می شود اینست که همین هستههای اولیه را در کدام تجمع های پرولتاریائی باید ایجاد کنیم؟ آیا صحیح است در هر کارگاه و کارخانه که شرایط مهیاست، بدین کار مبادرت ورزیم؟ چنین برنامه یک رفیق، بروشنی راه نشان می دهد:

... تمامی نیروی اصلی جنبش در این است که کارگران کارخانجات بزرگ سازمان یافته باشند، زیرا کارخانجات بزرگ نه تنها از لحاظ تعداد نفرات، بلکه بیشتر از لحاظ نفوذ، رشد و قابلیت مبارزه، بخش تعیین کننده ای از تمامی طبقه کارگر را در بر می گیرند. هر کارخانه باید در زمان باشد."

اما متاسفانه، اپورتونیسیم راست آنچنان شیخ خود را بر سازمان گسترده بود که در هیچیک از حرکات این رفاقت، حتی در ای برنامه و چشم انداز وجود نداشت. مثلا در شرایطی که نیروی زیادی را چند کارگاه خیاطی بخود اختصاص داده بود، و واحد بزرگی مثل ایران تا سیونال از کمبود کار در رنج می برد، و معدود نیروهای موجود در آن نمیتوانستند با سخکوی مسائل ۱۴۰۰ نفر کارگر باشند.

همچنانکه چنین نیز بروشنی خاطر نشان نموده است، باید در درجه نخست نیرویمان را برای سازمان دادن و آگاه کردن کارگران کارخانجات بزرگ بسیج کنیم. چرا که کارگران این رشتههای اصلی بخش قابل توجهی از پرولتاریائی صنعتی ایران را تشکیل میدهند.

کارگرانی که در این مراکز کارگری مشغول بکارند معمولاً از باسابقترین کارگران تشکیل شده اند و از سطح دانش علمی و آگاهی اجتماعی بالایی برخوردارند.

در مقایسه با کارگران کارگاههای کوچک (که عمدتاً بنازگی از روستا به شهر آمده اند یا از صفوف خریده بورژوازی به صف کارگران پیوسته اند) برخوردارند. بعلاوه کار طولانی در یک سازمان بزرگ منظم (ولویا نظم بورژوائی) قابلیت سازمان یابی بیشتری دارند و با تعداد زیادی کارگر در ارتباط روزانه هستند و در یک واحد کاری می کنند. با ایجاد هستههای اولیه در این مراکز میتوان دایره نفوذ سازمان کمیونیستی را بسرعت در میان تعداد بسیار زیادی کارگر گسترش داد و نیروی وسیعی از کارگران را متشکل نمود. و با صرف انرژی به مراتب کمتری تعداد زیادی از کارگران را بحرکت متحد سوق داد. (مقایسه کنید برای ایجاد یک حرکت در یک واحد تولیدی با ۱۴۰۰۰ کارگر چه میزان انرژی باید صرف کرد و مثلاً برای بحرکت در آوردن همان تعداد کارگر در واحدهائی با ۱۰ نفر کارگر که برای بحرکت در آوردن همان میزان باید در ۱۴۰ واحد حرکت همزمان و متحدی صورت گیرد. حال اگر مشکلات دیگر را از قبیل یکسان نبودن شرایط در این واحدها و خواست های نسبتاً مختلف آنها و غیره در نظر بگیریم.)

علاوه بر این در اثر اعتصاب و حرکت کارگران در واحدهای بزرگ ورشتههای اصلی و اختلال یا متوقف شدن چرخ تولید در این رشتهها میتواند سایر رشتههای دیگر اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهد و موجب کند شدن یا متوقف گردیدن چرخ تولید در دیگر رشتهها شود و از این طریق (علاوه بر سایر طرق دیگر) بر کارگران سایر بخشها نیز تاثیر گذارد.

ما خود در قبل از قیام بهمن ماه شاهد بودیم که چگونه اعتصاب کارگران قهرمان شرکت نفت نه تنها در سایر بخشهای کارگری اثرات فراوانی گذاشت، بلکه حتی جامعه را تحت تاثیر قرار داد و اقتصاد جامعه را فلج نمود و ضربات کوبنده ای بر بیکاررزم دیکتاتوری شاه وارد نمود. و بحران اقتصادی وسیع را آنچنان حدت بخشید که نخست وزیر دولت نظام وقت، از هاری، را به زور هکشیدن واداشت.

این رشتههای اصلی و مراکز اصلی تجمع کارگری را به چند بخش زیر میتوان تقسیم کرد:

۱- نفت و تمام آن رشتههایی که مواد اولیه تولید می کنند. مانند فولاد، مواد معدنی، شیمیائی و...

۲- رشتههایی که برای گرداندن چرخ تولید، انرژی و وسائل تولید، تولید می کنند مانند شرکت توانیر (تولید برق)، کارخانههای ماشین سازی و غیره...

۳- مراکزی که ماده اولیه یا کالا را برای تولید یا مصرف (واردات و صادرات) از جایی به جای دیگر حمل و نقل می کنند نظیر راه آهن، نخلیه کالا در بندرها و کمزکات و کلا شبکههای حمل و نقل ۴- کلیه کارخانجات بزرگ دیگر که کارگران زیادی در آن مشغول کاری شدند همچون نساجی ها و غیره...

۵- کلیه صنایع نظامی، یعنی کارخانجاتی که ارتش به آنها متکی است. مانند مهمات سازی ها، اسلحه سازی ها و غیره...

البته لازم به تذکر است، که اینگونه تقسیم بندی و عمده کردن این مراکز به معنی فراموش کردن دیگر کارخانهها یا کارگاهها و سایر مراکز تجمع کارگری نیست. بلکه نشان دادن اهمیت درجه اول این مراکز و لزوم متمرکز کردن نیرو در درجه اول در این مراکز است.

بایستی توجه داشت با شیم که بخش اعظم پرولتاریائی صنعتی ایران در این مراکز متمرکز است و کارگران این بخشها از تحریک مبارزاتی بیشتری برخوردار هستند و مبارزات کارگری در سطح گسترده ای در این بخشها جریان دارد.

جنبش کمیونیستی ایران امروز مصمم تر از همیشه در جهت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر گام برمیدارد. اما هنوز بیوند جنبش کمیونیستی و جنبش کارگری ضعیف بود و برآکنده کی کامل بر جنبش کمیونیستی ایران حاکم است.

بدون گسترش و پیوند میان با کارگران، بدون مشکل کردن اکثریت کارگران پیشرو و آگاه در سازمان واحد کمیونیستی، سازمان نیکه بمنای پیشاهنگ سیاسی طبقه کارگر، دسته پیشرو و متشکل و عالیتر بین شکل سازمانی پرولتاریا، رهبری جنبش طبقه کارگر را در دست گیرد، قادر به تشکیل چنین حزبی نخواهیم بود. برای آنکه حزبی، حزب طبقه کارگر باشد، باید پشتیبانی طبقه کارگر را بدست آورد، برضربان نبض جنبش طبقه کارگر احاطه داشته باشد و قادر به سازمان دهی، سمت دهی و رهبری جنبش طبقه کارگر باشد. هر کارخانه را به خود تبدیل کرد و دستاورد رزمنده پرولتاریا باشد.

مسئله انجام این وظیفه مهم بدون نفوذ در طبقه بدون برقرار کردن رابطه سیاسی - تشکیلاتی با کارگران امکان پذیر نخواهد بود. برای آنکه بتوانیم مبارزات طبقه کارگر را در کلیه سطوح آن رهبری نماییم و نفوذ خود را در میان طبقه کارگر گسترش دهیم باید هستههای سرخ متشکل از آگاهترین و پیشروترین کارگران و انقلابیون کمیونیست را در کارخانهها، واحدهای کارگری و مراکز تجمع کارگری تشکیل دهیم.

این هستهها که مسلح به ایدئولوژی علمی طبقه کارگر هستند و بیوند مستقیمی با توده کارگران از یکسو و با سازمان کمیونیستی از سوی دیگر دارند، سازمان را قادر خواهند ساخت تا واقعاً برضربان نبض جنبش کارگری احاطه داشته و آرا رهبری کند.

هستههای سرخ کوچکترین واحد سازمانی هستند. این هستهها در شکل های توده ای (مثل شورابا سندیکا و...) در بین کارگران کارخانه فعالیت می کنند. بین هستههای سرخ و سازمان کمیونیستی باید رابطه متقابل وجود داشته باشد. ضمن اینکه هستههای سرخ کارخانه، سازمان را از وضعیت موجود پرولتاریا به دقیق ترین شکلی مطلع می گردانند (که در اتحادیههای سازمان، نقش بسیار مهمی ایفا می کند) همینطور خود این هستهها نیز در تدوین کلی سیاست های سازمان باید حضور فعال داشته باشند. بدون هستههای سرخ کارخانه، سازمان کمیونیستی نمیتواند به رابطه سیاسی - تشکیلاتی خود با پرولتاریا جامعه عمل بیواند.

این هستهها وظیفه سازماندهی و تشکل پرولتاریا، آگاه کردن و شرکت فعال در مبارزات روزمره کارگران را متحقق می گردانند. هر وقت که حرکتی در کارخانه وجود دارد، یا هر زمان که اعتصاب و اعتراضات جمعی در حال نطفه بستن است، این هستهها میتوانند نقش تسریع کننده، جهت دهنده، و رهبری کننده داشته باشند. این هستهها بهترین کانون پرورش کار درهای انقلابی می باشند. هستههای سرخ کارخانه "اساسی ترین نوع شکل محفی پرولتاریا در سطح کارخانه است"، که بمنای به جسم، گوش، و نماینده سازمان (یا حزب) عمل کرده و به سازماندهی کارگران خواهد پرداخت.

اکنون، که احاد و دی ضرورت و نقش این هستهها در امر مبارزه روشن شد، بلافاصله این سئوال پیش می آید که آیا ما مجازیم در هر کارخانه، کارگاه، و اجتماعات کارگری هستههای سرخ ایجاد کنیم؟ کمینترن در این باره جواب مثبت داده، می گوید:

"هستههای کمیونیستی، مراکز کار کمیونیستی در کارخانجات، کارگاهها، اتحادیههای کارگری، اجتماعاتی از پرولتاریا، واحدهای نظامی و غیره، و هر کجا که در آن چند تنی که اندیشه ای برای عضویت در "حزب کمیونیست وجود دارند، بوجود می آیند."

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

دربار خورد با مساله گروگانها

از دید مجلس

گسار و گانهای جاسوس آمریکائی منتفی است!

مجلس شورا در بحبوحه جنگ ایران و عراق - که همه چیز را تحت الشعاع خود قرار داده است - مسئله گروگانهای جاسوس آمریکائی را هم چنان در دستور خود قرار داده و آنرا با سرعت به پیش می برد. با انتخاب هیئت ۷ نفری رسیدگی به این موضوع و مشخص کردن اختیارات آنها که چند جلسه مجلس را بکشد و اختصاص داد بنظر میرسد که بگر نماید مدتی با بی پایان با اصطلاح "بحران گروگانگیری" مانده باشد.

ما در شماره های پیشین نشان دادیم که ولایتی نکات اساسی "حل بحران" بین مقامات ایران و آمریکا نواقعی عمل آمده است و این امر مفاد نامتناهی نمایندگان مجلس، کنگرده آمریکا و بیستام آیت الله خمینی و اظهار رضایت مقامات ریکائی یعنی کارتمرو ریگان و "موعات" آمریکا مشهود میگردد. مثلا جلسه آمریکائی روز ۲۳ سپتامبر تحت عنوان "امیدواری تازه برای گروگانها" بررسی دستخطی از پیشنها داد است. از لفظ خمینی به عمل آورد و نتیجه گیری کرده است که بر آوردن هر چهار شرط آیت الله خمینی از طرف دولت آمریکا کاملاً امکان پذیر است. اما با وجود این مجله نیوزویک معتقد است که کار تراز ترس آنکه اعلام نظر موافقش بیستام پیشنها داد آیت الله خمینی باعث انعکاس نامطلوبی در ایران شود و کار را خراب کند. از این جهت خوشحالی علنی و پیشقدمی در این باره خودداری کرده است. در حالیکه ریکان کاندمدای ریاست جمهوری آمریکا از طرف حزب جمهوریخواه ایبائی نداسته است که رسماً از پیشنها داد آیت الله خمینی استقبال کرده و اعلام کند در صورت پیروزی بلافاصله بر مبنای پیشنها داد آیت الله قرارداد دی با ایران منعقد خواهد ساخت. مجله نیوزویک تا کید کرده است جنبه مثبت و امید بخش پیام آیت الله خمینی آن است که در آن از محاکمه گروگان ها و همچنین معذرت خواهی

آمریکا از ایران صحبتی به میان نیا مدد است. مجله نیوزویک نوشته است که یکی از خواسته های آیت الله خمینی پس دادن اموال شاه است و ادامه میدهد: هر چند بانک مرکزی ایران تروتهای شخصی شماره ۳۲ میلیارد دلار بر آورد کرده است ولی مقامات رسمی آمریکا تروتهای خصوصی شاه را که در خارج از ایران است حدود ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار دانسته و معتقدند تنها ۵ تا ۱۲ درصد آن در آمریکا است.

پس تا قبول اینکه روی نکات اساسی "حل بحران" برانق شده، آنچه باقی میماند نحوه پیاده کردن برپایه است. تا اینجا در رابطه با مناسبات ایران و آمریکا تا اینجا از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی بطور جناحیهای مختلف حاکمیت بطور کلی ادامه روابط همکاری با آمریکا در عرصه های اقتصادی، سیاسی و نظامی بود. منتهی در شکل محدودتری.

فرائش و شواهد رووند حوادث نشان میدهد که این هم این نظر به قوت خود باقی است. بنا بر این جنگ ایران و عراق نه تنها تفسیری در ادامه برنامه "حل بحران ایران و آمریکا" ایجاد نکرد بلکه با وجود به جوی که ایجاد شده و حاکمیت ضرورت تقویت ارتش و خرید اسلوازم و تجهیزات و لوازم بدکی و مهمات را بر مردم تلقین کرده است، تسریع در حل مسئله گروگانهای جاسوس و روابط بین رژیم جمهوری اسلامی و آمریکا و جسدان گردیده است. اما از طرف دیگر مسئله تسخیر سفارت و گروگانگیری جاسوس های آمریکا و تبلیغاتی که حول آن شد علیرغم خواست هیئت حاکمه، حوضه امیرالیهستی را بشدت در مردم بالا برد. مردمی که شعار "بعد از شاه نوبت آمریکا است" را در اذهان خود داشتند با تسخیر سفارت تصور کردند که بر استی نوبت آمریکا فرا رسیده است که آنرا هم مثل شاه به زباله دان تاریخ ببینند از آن وقت

زهی بران جمهوری اسلامی شعار دادند که: "ما رابطه با آمریکا را میخواهیم چه کنیم؟" و با این رابطه ظالم با مظلوم است "مردم این سخنان را جدی گرفته و خواهان قطع این روابط سلطه گرانه شدند و بحق خواستار این بودند که از طریق محاکمه جاسوسان آمریکائی، امیرالیهستی آمریکا و سیستم سرمایه داری وابسته به محاکمه کشیده شد و مردم به بررسی بیش از ۲۵ سال غارتگری، سلطه گری و جنایات امیرالیهستم آمریکا از بعد از کودتای ۲۸ مرداد که بدست سازمان جاسوسی سیا انجام گرفت، بپردازند و از این طریق با آگاهی به نحوه تسلط امیرالیهستم بر کشور ما، حرکتی در جهت قطع این مناسبات ظالمانه بعمل آمده و در عین حال جاسوسان آمریکائی هم به سزای اعمال خویش برستند. پس اگر برای کسانی که از واقعیت بر سفارت بهترین وجهی استفاده کرد و او این امر به سر لدا افتتاح دکائی برای آنها بود، برای مردم ایران مبارزه علیه امیرالیهستم آمریکا قطع کامل نشود آن مورد نظر بود و

و هست و این همان حقیقت تلخی برای هیئت حاکمه ایران است که از روز بروز بدین آثار وجود می نرزد. زیرا حاکمیتی که قدرت خود را به توهم توهم متکی ساخته بدیهی است که از توهم ذاتی بیش از هر چیز راهه داشته و اگر این توهمات نه درها از بین برود و نودها به آگاهی دست یابند دیگر چاره ای برای این حاکمیت باقی نمی ماند مگر آنکه تنها بکارگیری نیادهای سرکوب مستقیم را مدنظر قرار دهد. از این روست که حاکمیت نمیتواند دکان دوتیشی را که با آن همه سلام و صلوات و بسوق و کرنا باز کرده است، با یک رای گیری ساده و انجام قسام و قعود نمایندگان مجلس، به بندند. لذا علیرغم نواقعی روی کلیات "حل بحران" باید یکسری زمینه سازیهائی در مجلس انجام گیرد که این خود

جادو صاف کن حل قضیه گروگان ها و بازسازی روابط بین رژیم جمهوری اسلامی و امیرالیهستم آمریکا باشد. در این میان جنگ ایران و عراق هم یکمک و لیبسه امور آمده و در حالیکه همه اذهان متوجه این جنگ است مجلسیان بدور از توجه زیاد مردم به مسئله گروگانها، به حل و فصل آن می پردازند. در ضمن همان نظری که در بالا گفتیم نمایندگان محترم از عواملی هم که جنگ بوجود آورده برای تسهیل کار خود به بهترین وجهی بهره گیری خواهند کرد. پس بی علت نیست که کارگردانان "نمایش مجلس" اصرار دارند مسئله گروگانها همچنان در دستور مجلس باقی مانده و بدون وقفه با سرعت به پیش برود.

با این مقدمه ما آ خرین تحولات در رابطه با این مسئله را در مجلس شورا مورد بررسی قرار داد و در خلال آن سه گروه بندی های مجلسی تازه می کنیم. بطور کلی از هنگام طرح مسئله گروگانها در مجلس، ما با چند مسئله مشخص روبرو بودیم که روی آنها موافقتها و مخالفتهائی صورت گرفته است. یکی از این گروه ها بحث درباره محاکمه با عدم محاکمه گروگانهاست که ما در این شماره به بررسی آن می پردازیم.

گروگانها محاکمه خواهند شد یا بدون محاکمه آزاد می شوند؟

همانطور که در شماره قبیل نوشتیم چه در نامه نمایندگان مجلس شورا به نمایندگان کنگره آمریکا و چه در پیام آیت الله خمینی صحبتی از محاکمه گروگانهای جاسوس آمریکائی بمیان نیامده و شرایطی که برای آزادی گروگانها پیش بینی گردیده نه تنها با مخالفت مقامات آمریکائی روبرو

نگردیده بلکه از آن استقبال هم شده است. در عین حال جناح بنی صدر و لیبرالهای دیگر هم که اصولاً از ابتدا با اصل گروگان گیری مخالف بودند قویاً با محاکمه گروگانها مخالف هستند بنا بر این همه قرائن مبنی بر آنست که محاکمه گروگانها توسط دولت ایران منتفی شده است. اما با وجود این چرا باز این مسئله در مجلس شورا مطرح و جنگ زرگری روی آن آغاز شد و افرادی بعنوان موافق و مخالف با آن صحبت کردند؟ پاسخ روشن است. ما قبلاً آن اشاره کردیم و اجمالاً متذکر میشویم که از آنجائیکه محاکمه گروگانها بی جاسوس خواست همه مردم ایران بوده است و هست و مردم این اقدام را احدی از عملی میداند که در افشای ماهیت امیرالیهستیها سرکرد گئی امیرالیهستم آمریکا نقش خواهد داشت، لذا انتظار چنین محاکمه ای را می کنند، اما حاکمیت بحافظ ملاحظیات سیاسی و توافق هائی که بعمل آورده است میخواهد پس به چنین کاری دهد. لذا باید بطور تدریجی عدول از محاکمه را برای مردم توجیه کرد و به آنها بفمولاند. از این رویت که حاکمیت دست به صحنه سازی زد و نمایش "گروگانها" مطابق سناریوی از پیش تنظیم شده بر روی صحنه میاید و باز بگران آن در داخل و خارج مجلس هر کدام نقش جزیر را ایفا می کنند در این میان آقای بهشتی یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی که بزرگترین فراکسیون را در مجلس دارا بوده و بطور کلی مجلس را تحت سلطه دارد، در مصاحبه ای و انمود میکند که گویا با محاکمه گروگانها موافق است. او در ۲۶ شهریور در پاسخ خبرنگاران انقلاب اسلامی که می پرسد: از نظر شما با مسئله گروگانها چگونه باید برخورد شود میگوید: "از نظر شخصی بعنوان یک فرد مکرر عرض کرده ام که هدف در رابطه با گروگانها باید محاکمه سیاست بقیه در صفحه ۱۳

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



از دید مجلس

محاكمه گروگانهای جاسوس آمریکائی

بقیماز صفحه ۱۲
تجاوزکاران امپریالیسم آمریکا وهم پیمانانش باشد. بنا بر این ما باید همه مسائل مربوط به اینها را در رابطه با این هدف ارزیابی کنیم و در مورد آن تصمیم گیری کنیم. حال پرسیدنی است اگر ایشان بنا محاکمه گروگانها موافقت پس چرا مجلس تحت فرمان حزب ایشان با محاکمه گروگانها روی خوش نشان نمیدهد؟ آیا مجلس نسبت به حزب یا غی شد ما است؟ نه چنین نیست. واقعیت اینست که آقای بهشتی در مقابل توده ها و از ترس سلب اعتماد بیشتر آنان نسبت به خود و حزب جمهوری اسلامی و حاکمیت دست به عوام فریبی زد ما است و بدون اینکه عتقاد دی به محاکمه جاسوسهای آمریکائی داشته باشد طوری با کلمات بازی میکند که در اذهان توده های ناآگاه ساده دل اینطور القاء شود که ایشان طرفدار محاکمه گروگانها است. در حالیکه چنین نیست و اگر به همین سخنان ایشان خوب دقت شود حقیقت برملا میشود.

او ابتدا تاکید می کند که "این نظر شخصی و فردی من است" یعنی اگر نظر حزب و نمایندگان وابسته بآن مخالف نظر ایشان باشد مانعی ندارد و نباید باعث تعجب شود! و سپس بطور مشخص اسمی از محاکمه گروگانها نمی برد بلکه با زرنگی می گوید: "باید محاکمه سیاست" تجاوزکاران امپریالیسم آمریکا وهم پیمانانش هدف باشد. با اینترتیب ایشان که از قماش آنچنان سیاستمداران است که نمیکند رأب زیرش برود مطلب را طوری برداخته است که هر آن بتواند استنتاج دلخواهش را از آن بیرون کشد. مثلاً این جمله ایشان میتواند اینطور توجیه شود که مجلس خود به محاکمه سیاست تجاوزکاران امپریالیسم در قاموس مجلس این خواهد بود که مجلس شورا در یکی دو جلسه خود ترتیب این محاکمه را با نطقهای آتشین و شعاری و ذکر تاریخچه عملکرد آمریکا توسط نمایندگان مجلس بدهد. اگر آقای بهشتی اعتقاد به محاکمه

واقعی گروگانها در پیشگاه مردم داشت اولاً خود او صراحتاً محاکمه گروگانهای جاسوس را مطرح میکرد و در ثانی فراکسیون حزب جمهوری اسلامی که اکثریت قاطع را در مجلس دارد در بحث کلیات مربوط به گروگانها این امر را بتصویب میرساند که گروگانها باید محاکمه شوند و کمیسیون ۷ نفری نحوه این محاکمه را مشخص مینمود ولی چنین نشد و نمایندگان به کمیسیون هفت نفری ماوریت دادند که خواهستهای دولت ایران را که در پیام آیت الله خمینی مندرج است، بطور مشخص تنظیم کند. و اما ببینیم این "نمایندگان مردم" در مجلس شورا چگونه به خواست موکلین خود که همه خواستار محاکمه گروگانها هستند برخورد کردند. همه هیاهوهای قبلی در نطق شعار گونه دوسه نمایی که بعنوان موافق یا محاکمه گروگانها صحبت کردند خلاصه گردید. اما این عمل هم آنچنان ناشیانه و تصنعی انجام گرفت که هر فرد

مبتدی در امور سیاست متوجه این بازی میشد. مثلاً در جلسه اول مهرماه، آقای پوروش نماینده اصفهان در موافقت با محاکمه گروگانها حرف زد. اما سخنرانی او جای حرف بسیار دارد. او ابتداءً دلیل مستدل!! و مردم پسند از قول مخالفین محاکمه گروگانها و در رد محاکمه گروگانها عنوان میکند و سپس بجای آنکه بر دین استدلالات برداخته و ثابت کند که محاکمه گروگانها برفع مردم ایران است هفت دلیل پیش پا افتاده و شعار گونه و بدون استدلال در مقبولیت محاکمه آنها مطرح میسازد. در واقع هر کس که به سخنرانی ایشان گوش کرده و یا آن را بخواند نتیجه می گیرد که گروگانها نباید محاکمه شوند. زیرا اگر قرار باشد با استدلالات ایشان محاکمه عدم محاکمه گروگانها را قبول کنیم ایشان در ده مورد بطور مشروح و مستدل دلایل رد محاکمه را مطرح میکنند ولی آنجا که بدلیل قبول محاکمه میرسد کوتاه و سرودست شکسته و بدون استدلال تنها با دادن شعارهای بی محتوا بدفاع برداخته است. در واقع کار ایشان (اگر ناز از روی صداقت باشد) آن مثل معروف را تداعی میکند که: "دم فرو بستن صد بار بر بد دفاع کردن برتری دارد". و در مجموع بجز دوسه نماینده که در حمایت از محاکمه صحبت

کردند بقیه نمایندگان بخصوص چهره های معروف حزب جمهوری اسلامی از محاکمه گروگانها حرفی نزدند و دم فرو بستن را جاذبه تر شمردند! و نتیجتاً بین صحبت ها و مذاکرات که در متن دادن رهنمود به کمیسیون رسیدگی ایراد شد این بود که هیچگونه تصمیمی در جهت محاکمه گروگانهای جاسوس آمریکا گرفته نشد و عملاً مجلس هم مسئله محاکمه گروگانها را منتفی دانست. بی جهت نیست که مقامات آمریکائی پس از این مذاکرات مجلس درباره گروگانها و انتخاب هیئت هفت نفری، شادی و مسرت خود را از نتایج مذاکرات اظهار کرده و اعلام کرده اند انتظار آزادی قریب الوقوع گروگانها را دارند. مذاکرات مجلس شورا و تصمیمات نمایندگان ملت "بیش از پیش برده از روی ماهیت سازشکارانه و ضد مردمی این باصطلاح نمایندگان مردم بر میآید و در خلقهای ایران بروشنی درک میکنند که چگونه این نمایندگان هم ابزاری در خدمت سیستم سرمایه داری وابسته و مشاطه گر این حاکمیت هستند و علی رغم ادعاهای توخالی ضد امپریالیستیشان عملاً جاده صاف کن ادامه روابسط امپریالیستی هستند.



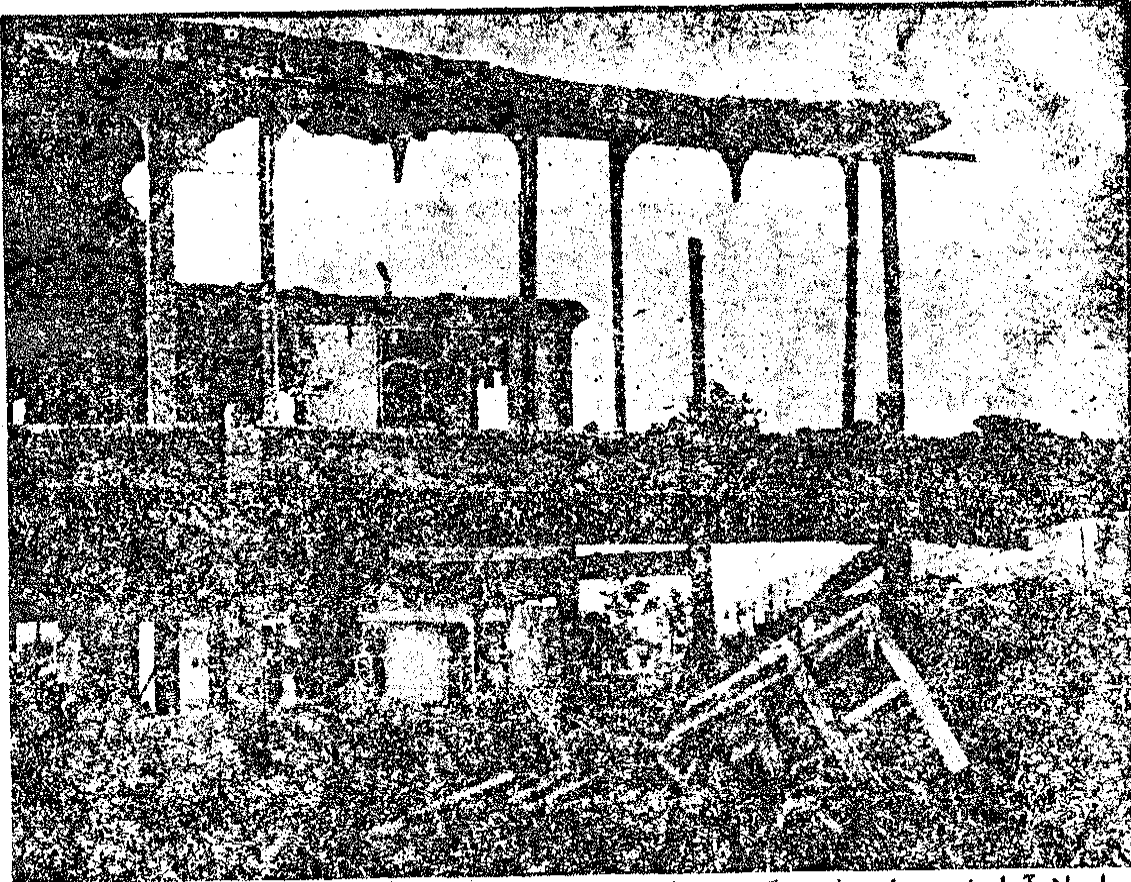
با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

رفقا، دوستان، هواداران همانطور که اطلاع دارید، پس از انشعاب، "کمیته مرکزی" از تحویل هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه باینکه گسترش فعالیتهای هر سازمان انقلابی به کمکهای هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران میخواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بلاخص کمک های مالی خود را از راههای مطمئنی که میشناسند برای ما بفرستند.

رفقای درود	امانت شمارسید	رفقای پیشگام	رفقته داود
د - ۱۰۷۷۷	رفیق مازیار ۱۹۴	فاتح ۱۰۰۰ ریال	۱۵۰۰ تومان
ج - ۱۷۶۳	رفیق وفا	رفقای نازی آباد	رفقای شهری
م - ۲۹۰۳۳	رفقای ترکیه ۷۰۰	۲۸۰۰ ریال	ک - ۱۲۷۰
ع - ۲۰۱۱۰	رفقای الیگودرز	ج ۶۲۸ رفقای بیجار	ل - ۱۲۱۷
رفقای کاشان	ج - ۱۰۱۲۵	ر - ی ۱۶۲۰	ه - ۱۰۵۵
ع - ۵۶۰	رفقای کرمانشاه	رفقای نازی آباد	س - ۱۱۰۰
م - ۲۰۶۱	ق - ۵۵۴۴	ب - ۱۳۵۶	چ - ۱۱۱۷
ک - ۱۵۰۰	ج - ۵۲۳۲	آ - ۱۲۳۲	ح - ۱۴۱۹
م - ۱۰۵۰	ی - ۳۵۱۱	ث - ۱۴۵۲	رفقای لرستان
م - ۱۲۵۰	رفقای شهرکرد	ن - ۱۱۱۳	چ - ۳۳۰۰
دانش آموزان	س - ۶۱۲۵	رفقای هفت چنار	ز - ۲۴۰۴
مدرسه راهنمایی دکتر علی شریعتی	رفقای دبیرستان پیام ۲۰۰۰ ریال	الف - ۱۲۹۱	م - ۱۱۱۱
ص - ۱۰۴۵	بریا - ۲۰۰	ج - ۱۱۹۳	ب - ۱۲۲۲
م - ۱۱۱۹	رفقای دانش آموز ۹۵۰ ریال	ت - ۱۰۶۷	الف - ۱۳۳۳
الف - ۱۲۱۱	بدون حرف اول نام ۵۰ تومان	م - ۱۳۳۲	ج - ۲۹۹۹
د - ۱۱۱۰	۳۰۲۲	رفقای خانی آباد	ه - ۲۵۹۸
رفیق فریده از اسلام شهر	رفقای شهرکرد	ن - ۱۰۷۶	ح - ۲۳۷۹
۳۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	س - ۱۳۲۱	م - ۱۲۷۳
		ه - ۱۳۴۱	ع - ۲۰۳۶
		رفقای لنگرود	ح - ۵۱۱۱
		نام ۵۰ تومان	ط - ۲۰۱۹۰
		۳۰۲۲	م - ۴۰۳۳۳
		رفقای ساری	ت - ۲۰۱۱۱
		۱۸۰۰	ص - ۲۶۱۶۱

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

● خبرهایی از جنگ



اسلام آباد غرب - ارمغان جنگی غیرعادلانه و تحمیلی برای توده های زحمتکش ...

بقیاً از صفحه ۱۵

شهر تقریباً خالی از سکنه است، فقط تردد نظامیان و افراد مسلح در شهر دیده میشود، نیروهای عراقی مجدداً نواسته اند جاده کربندی و خیابان طالقانی بین بلیس راه و یادگان دژ را تحت تسلط خود در آورند و از این مکان سوی شهر در حال بیرونی هستند. تعداد کشته و زخمی در این روزها در خرمشهر خیلی زیاد است، در این روزها ۲۴ شهروان سرباز و نیروهای عراقی حملات گسترده تری را آغاز کردند، تلفات تا این روز بسیار زیاد است و در روزهای دیگر است. در خرمشهر چند دبستانهای تخریبی را بر سرش زانند و مردمی مستقر شده بودند و سوی عراقی ها شلیک کرده و دیگر بچشم دیده نمیشدند. خمپاره شلیک میکردند و با وضعی اسفناک سعی داشتند به هر ترتیب از خود دفاع کنند اما شدیداً از بیایست بی توجهی دولت و برسدن امکانات نبودن نیرو و تجهیزات لازم، شکوه و شکاست داشتند و شدت خسته و مایوس می نمودند.

از آنها با سارت نیروهای دشمن در آمدند و سه تن دیگر موفق شدند فرار کنند سه پاسداری که موفق به فرار شده بودند می گفتند تعداد نیروهای عراقی در ۲۰ کیلومتری جاده و ۳۰ نفر مشود و مجهز به توپ و تانک و ضد هوایی هستند. این پاسداران از اینکه بی انتظامی در جریان جنگ حکم بر ما است و کسی وضع جاده را - قبل از حرکت - با آنها نگفته بود، بسیار ناراضی میگردیدند. حتی با روحانی که در آن حین حضور داشت با مالتی اعتراضات مبررانه شروع کردند.

دورتر از این معرکه و در پشت دروازه شیب، کما میوشدای جا ملاقات خانه همراه خانواده ها یا زدن راه را در زیر آتش خمپاره های مزدوران عراقی، با انگرانی و اظطراب، انتظار میکشند جوانهای انقلابی سگرها و مواضع خود را - محکم نیرو مجهز تر میکنند، خیابان منتهی با بستگاه هفت، راه بطور ما ریح، با کمپرسی خاک ریخته اند و تپه های برای مانع عبور شدن تانک ها ایجاد کرده اند بگونه ای که اگر احتمالاً تانکهای عراقی نخواهند وارد شهر شوند نمیتوانند و هما نجا گیر میکنند.

آب و برق همچنان قطع است، تنها چند نواهی در شهر، نان مردم را تامین میکنند، نیروهای انقلابی در کمیته های محلی، خود با ایجا دتنور و درست کردن خمیر، نان میبزدند و با این ترتیب نان اهالی محلی خودشان را تهیه میکنند.

آب مورد نیاز خود را تا حدودی با حفر چاه های عمیق کم بر آورده میسازند ابتکار عمل و خلاقیت در پوشش های مقاومست توده ای در شرایط جنگ خانمانسوز و ویرانگر دولتهای عراق و ایران، در شهر آبادان و دیگر شهرهای درگیر در جنگ، روز بروز برجسته تر و نمایان تر میشود. هواداران نیروهای انقلابی، همچنین، در مرحله علاوه بر ایجا دسنگر و کمیته های امداد، تعاونی همدا بر کرده اند.

● ۲۵ مهر

خرمشهر

جنگ در خرمشهر بسیار با اذکرفته است و تبدیل به جنگهای تن به تن و در روزه شده است، مسجد جامع محل تجمع نیروها و پشت حبه نیز مورد اصابت خمپاره واقع شده و عدد زیادی کشته و زخمی شدند.

آبادان

نیروهای عراقی هم چنان در حومه آبادان و نزدیکی پل ایستگاه هفت سربازان در حالی است که راه دبی آبادان اعلام میکنند که عراقی ها بیست کیلومتر عقب رانده شدند. جاده کماکان بسته است و مسافران با بار و بنه پشت دروازه منتظرند. شلیک توپخانه از آن سوی شطرنج خاک عراق هم فزونی گرفته است. در هنگام زانندار مری آبادان که ستاد عملیاتی نیز در آن قرار دارد "بلیشو" و همهمه جریان دارد، فرمانده عملیات و معاونانش حضور ندارند، در اینموقع جنگ در خرمشهر شدت ادامه دارد، سربازان گروه گروه از خرمشهر می آیند و زمین وزمان و حکومت فحش میدهند. وقتی از آنها میبرسی چرا در این حال شهر را ترک کرده اید، جملگی با حالتی عصبی و ناراحت پاسخ میدهند "خرمشهر رفت،

● ۲۶ مهر

آبادان

دوباره راه ما شهر - آبادان بسته شده است، نیروهای عراقی در همان موقعیتی هستند که روز قبل بودند. از انتهای پل ایستگاه هفتم، نیروهای عراقی براحتهای چشم میخورند، بولدورهای عراقی در حال سنگر کردن برای تانک ها و توپ های عراقی هستند، آنها بین جاده ما شهر - آبادان و آبادان - اهواز مستقر شده اند، شلیک خمپاره از این نقطه به سوی مواضع ایرانی ها و داخل شهری وقفه ادامه دارد. در شهر خانه های زیادی در محله های ممدی و بریم منهدم شده است.

سه پاسدار که از جاده ما شهر میآمدند، گفتند هفت نفر بودند که امروز صبح با اتومبیل با نظرف رفتند در بیست کیلومتری شهر مورد حمله نیروهای عراقی قرار میگیرند و چهار تن

آبادان هم مرور و فرود میروند، چنانچه میگویند، چرا توپ و تانک نمیدهند، این لشکر زرهی که اینقدر حرفش را میزنند، پس چرا نمیآید؟ با ۳۰ کدمی شود جنگ تا نک رفت، چرا بدروغ میگویند عراقیها کیلومترها عقب نشسته اند در حالی که تپه شهر هست و دارند ما را میکشند".

در اینموقع دو دختر جوان همراه دو پاسدار، سراسیمه بمیان نظامیان آمدند و در حالی که دختران شین و گریه میکردند از فرماندهان میخواستند که نیرو بفرستند، توپ و تانک بدهند، آنها با گریه فریاد میزدند که دارند ارتش را برای کودتای آماده می کنند، فرماندهان زانندار میگویند، جا رو جنگا لدر هنگ یا لا گرفته افران و درجه داران هم با غیظ و عصبانیت ضمن صحه گذاری بر حرفهای دختران، از ترسیدن امکانات، تشتت و دروغگوئی های رادیو آبادان و دیگر مقامهای حکومتی ایران زانندار رضایتی می کردند.

امروز مجدداً قسمت های زیادی از ایستگاه سربازان خرمشهر آتش گرفت، شلیک توپخانه عراقی بیوقفه ادامه دارد، روحیه مقاومت جویانه و آمادگی جوانهای انقلابی به مراتب بیشتر شده

است. نزدیک عصر، خیری مینی برای نیکه زانندار مری اسلحه می دهد، در میان مردم در گرفت، و بدنیال آن - شهر سوت و کور و ما تم زده آبادان ناگهان شور و هیجان دیگری یافت، امید و ایستادگی در وجود جوانان انقلابی شهر به غلبان درآمد، مردم دسته دسته، پیاده و سواره خود را به زانندار مری می رسانند و برهم پیشی می کنند تا اسلحه بدست آورند، همه همدیگر را را خیر می کنند "زانندار مری اسلحه می دهد." اما همینکه انبوه مردم به هیجان آمده و جوانان بر شور به زانندار مری رسیدند، مقامات زانندار مری و نماینده مردم آبادان اینک اسلحه نیست و با اسلحه را فقط به مسلمانها می دهیم، آب سردی بر روی وجود گرم و به حرکت در آمده مردم ریختند. جوانها به نماینده مردم آبادان و فرمانده هنگ، فشار می آوردند که بهشان اسلحه بدهند، اما حاکمیت که همواره از تسلیح واقعی توده ها وحشت دارد، به انحاء گوناگون و حتی با ضرب و شتم این خواسته توده ها را سرکوب کرده و می کند، در این روز حتی برای متفرق کردن جوانان

خبرهایی از جنگ...

بقیة از صفحه ۱۶

هیچگونه دفاعی نینشد، مردم در منطقه گورش بخش شده بودند و همگی بی تابی میکردند و ناراحت بودند که چرا ا دیو اعلام خطر نکرده و چرا دروغ میگوید چون یک ساعت بعد اعلام کرده که مساله مهمی نیست و انفجار سطحی است در صورتی که مردم واقعیت را بصورت دیگری میدیدند.

۲۰ مهر

اهواز

امروز قبل از ظهر هوا بسیار گرم و آفتاب در آسمان درخشان بود. در این شهر هم چون در سایر شهرها مردم در راههای اصلی و فرعی با یکدیگر برخورد میکنند. در اهواز هم مردم در راههای اصلی و فرعی با یکدیگر برخورد میکنند. در اهواز هم مردم در راههای اصلی و فرعی با یکدیگر برخورد میکنند.

آبادان

شهر همچنان پوشیده از دود است، هوا بشدت سنگین و شرعی است. شلیک توپخانه عراق و صدای انفجار خمپاره در محله های مسکونی احمد آباد اطراف بگوش میرسد.

۲۱ مهر

آبادان

شهر خلوت تر شده، آنها هم که مانده اند ب فکر رفتن افتاده اند و در آرزوی راهی شدنند اما عبور از خطرناک است. شلیک توپخانه عراق بی وقفه ادامه دارد، بظا هر خبری از کشته و زخمی نیست زیرا اغلب خانه ها شلیک در تیررس توپخانه عراق میباشد. خالی از سکنه است مانند بریم - "مصدق" - "بوارده" و... کوجه ها ما تمام زده و ساکت است دیگر از جست و خیز بچه های زحمتکشان محله های احمد آباد... و گفتگوهای زنان در کوجه ها نشانه ای نیست، هر چه هست خرابی و تبااهی و آوارگی است که دولت های ایران و عراق بسرای توده های محروم و زحمتکش بارمغان آورده اند.

۲۲ مهر

آبادان

دیشب بر اثر انفجار خمپاره، سه خانوادۀ پنج شش نفری در محله زحمتکش

نشین ذوالفقاری کشته شدند، این خانواده های زحمتکش، معمولاً شیهارا خارج از خانه و در میان نلخستانها میگذرانند تا از خطر خمپاره ها یا ارتش مزدور عراق در امان باشند. دیشب هم مثل شبهای قبل در جان پناه خود بودند که توپهای "خمسه - خمسه" عراقی متلاشی شان کرد و فردای آن شب راننده جوان زحمتکشی که ما درو خواهرش را در این حادثه از دست داده بود در محل حادثه حضور داشت، با گلولی بیض گرفته و حالتی خشم آگین میگفت: "حنگاست، بی خانمان شدیم، کشته شدیم، خب باشد، اما برای کی؟ برای این دولت که پرا ز فساد است؟ خب چرا ما را مسلح نمیکند؟ چرا امنیت ما را تامین نمیکند؟" و مرتب زیر لب به دولت و مسئولان ملکیتی فحش میداد. از این نمونه ها در شهرهای جنگ زده - خوزستان بسیار است، توده ها اصلاً این جنگ را نپذیرفته اند، اعتراض ها، عصیت ها، فحش های فراوان زیر لبی و حتی در بعضی موارد با صدای بلند، ترک شهر و... حملگی بین این واقعیت است که توده ها جنگ عراق را با ایران را نپذیرفته اند و هم به عراق فحش میدهند و هم دولت ایران را در یافتن اندک از این جنگ هیچ چیز جز مرگ و ویرانی و خانه خرابی و آوارگی عابدشان نمیشود.

۲۳ مهر

آبادان

نزدیک سپیده دم است صدای همه مردم در کوجه ها سکوت صبحگاهی را میشکند، همه به یکدیگر اعلام آمادگی می دهند، شهر سرعت خود را آماده متا و مستو مبارزه میکند، عراقیها دیشب تا یمن بنزین و ساختمان های فرهنگی مشرف به ایستگاه هفتم آمده اند. یک سرباز اندازمیری میگفت: "دیشب چند واحد شناسائی عراقی ها تا جلوسا ختمان های فرهنگی و یمن بنزین آمدند و بر گشتند فقط هفت نفر مسلح به (۳۰ ژ) در اینجا بودیم و اگر آنها دیشب حمله می کردند یقیناً آبادان رفته بود". در حالیکه از صبح زود نیروهای ایرانی با

عراقی ها در نزدیکی شهر درگیرند، در داخل شهر، مردم همراه جوانان انقلابی خود را برای مقابله با دشمن، پیش از پیش آماده میکنند، کوکتل مولوتفها و سراهی ها آماده اند، در خیابان موانعی برای عبور تانک ها ایجاد میشود. درگیری نیروهای ایرانی با عراقی ها در حومه آبادان تا نزدیک ظهر ادامه داشت و در ساعت ۱۱/۵ اسرا انجام چاده ما شهر - آبادان که از شب قبل مسدود شده بود باز شد و عمدتاً کما میون های حامل اسباب و اثاث خانه عبور میکنند. در این درگیری، نیروهای عراقی چهار تانک سالم برجای گذاشتند. آنها تانک ها را با تمام تجهیزات و در حالیکه هنوز موتورهایشان روشن بود، برجای گذاشته شده و گریخته بودند، فاصله محل این تانک ها تا آبادان حداکثر پنج کیلومتر است بگونه ای که از محل تانک ها شهر دیده میشود. در نقطه ای دورتر از این مکان عراقیها مستقر هستند، یک فان توم ایرانی موضع عراقی ها را به راکت بست، لاشه یک هلیکوپتر ایرانی نیز در اطراف تانک ها دیده میشود. علیرغم آنکه از روحیه ارتشیا بخوبی یاد میشود و آنرا عالی توصیف میکنند، روحیه سربازان،

درجه داران و دیگر نیروهای نظامی خوب نیست، اکثر سربازان بطور آشکار و روبه لحنی تند و عصی از جنگ و کمیژا مکانات و تجهیزات مینا لندوا بین امر اخیانت "بالائی" ها میدانند. آنها دائم میگویند چرا لشکر زرهی نمی آید، چرا نیرو نمی فرستند، چرا در جبهه ها "بلیشو" و تشنه است، البته فرماندهان ورده های بالاتر ارتشی، بد شدت از مسلح بودن غیر نظامیان و کمیته ها و پاسداران و حضور آنها در صحنه نبرد، ناراضی و ناراحت هستند و معتقدند که آنها با عت بر اکنندگی و "سپ" برنسیبی هستند و با حالتی تنفر آمیز و (دلخور) غیر ارتشی های مسلح و درگیر در جنگ را فحش میدهند. ارتشیان و نیروهای دیگر بویژه سربازان و درجه داران شدیداً از فریبکاری ها و دروغگوئی های دولت و از رادیو و تلویزیون و مطبوعات ناراضی اند، آنها بد

بینی عمیقی نسبت به "حمی" امام جمعه آبادان و رادیو آبادان دارند. در حالیکه رادیو آبادان اعلام میکند که نیروهای عراقی چندین کیلومتر به عقب رانده شده اند، نیروهای ایرانی در حومه آبادان بسختی با عراقیها درگیر هستند. دیگر در آبادان و خرمشهر، چه در میان مردم و چه در میان نیروهای توگیر کمترین اعتمادی نسبت به مقامات حکومتی و رسانه های گروهی نیست. حتی پاسداران و کمیته ها هم به دروغگوئی های رادیو آبادان و عدم رهبری درست و منسجم جنگ و نرسیدن نیروهای زرهی و کارآمد از سوی دولت، اعتراض دارند.

اما، دورتر از جبهه های جنگ و در داخل شهر که مدام صدای شلیک توپ و ترکش خمپاره بگوش میرسد، با تندی مانده خانوادۀ ها که با روبنه را روز قبل بسته بودند و عزم رفتن داشتند اما بدلیل بسته بودن جاده از رفتن باز مانده بودند. اینک با باز شدن راه، هر چه سریع تر میخواهند شهر را ترک کنند، هر لحظه را حساب میکنند و سعی ترسیدنند که لحظات بعد دوباره راه بسته شود و آنها مجبور شوند در شهر بمانند، ایستگاههای برق و آب بر اثر صابیت خمپاره از کار افتاده است و شهر بی آب و برق است آنها که مانده اند آخرین ذخیره های آب و آذوقه را از بخال ها بیرون کشیده اند و تقمیم میکنند، در اغلب محله ها، همسایه ها، (که عمدتاً مرد های باقیمانده در شهر هستند) دور هم نشسته و با حالتی مضطرب و نگران پیرامون جنگ و عواقب آن صحبت میکنند، شام و نهار را هم دور هم در کوجه و سنگر میخورند. در همه این صحبت ها، این سوالها مطرح است که "چی میشود؟ جنگ کی تمام میشود؟ این همه خسارت خطوری چنان میشود؟" در اکثر این نشست ها و گفتگوها نسبت به دولت جمهوری اسلامی، اعتراض و بدبینی شنیده میشود. همه بعد از جنگ شروع میشود.

خرمشهر

خرمشهر مدام زیر آتش خمپاره های عراقی است

بقیة در صفحه ۱۴



اهواز - انبوه مردم مترصد هستند تا شهر را ترک کنند...

خبرهایی از جنگ در خوزستان

● مهر ۸

اندیشک

ساعت ۱۲/۱۰ انفجار مهمات دوکوهه واقع در ۱۰ کیلومتری اندیشک توسط یک فروند میگ عراقی - بمباران میگردد میگ دومی در نتیجه اصابت تیر آتشبارهای هوایی قیل از اینکه موفق به پرتاب راکت بشود در محوطه انبار مهمات سقوط کرد. کلیه کارکنان راه آهن سربازان پادگان و همچنین اهالی روستاهای کناره جاده که اکثر آنها رگزان با رگبری هستند در انبارها اگزار میگردد در نتیجه انفجار بلافاصله از محل دور شده و در پشت تپه ها موضع میگیرند این انفجارات طبق گفته یکی از کارگران انبار، تلفات جانی نداشته ولی خسارات بسیار سنگینی وارد کرده بود انبارهای مهمات که معروف به انبارهای سنگی بودند ویران شده بود انفجارات تا ساعت هشت و نیم بعد از ظهر ادامه داشته و شش واگون قطار که پر از مهمات بوده منفجر گردیده و همچنین شش مخزن بزرگ گاز که در کنار ایستگاه واقع شده بودند منفجر شده و قطعات آن روی خانه های روستا نسیان پرتاب شده و کلیه خانه ها را ویران کرده بود و اسباب و وسایل زندگی روستائیان را با آتش کشیده بود

دولت خبر انفجار انبار مهمات دوکوهه را منتشر نکرد و بویژه از رسیدن این خبر به گوش سربازان درجه دارانی که در جبهه بودند، جدا جلوگیری میکردند.

اهواز

در همین روز در اهواز اوضاع نسبتاً عادی بود، البته از همان روزهای اول شروع درگیری عدهای شهر

را ترک کرده بودند. کسانی که زودتر از همه از این مناطق خارج شدند پولداران - شهرها بودند. وحشت این عده بحدی بود که حاضر شده بودند مینی بوس را بمبلغ سی هزار تومان اجاره کرده و به تهران فرار کنند. روز دوشنبه ۱۴ مهر عازم آبادان بودیم البته راه اهواز - خرمشهر مدتها پیش بسته شده بود و میگفتند تا نکهای عراقی در این جاده مستقر شده اند تنها راهی که آبادان را به اهواز متصل میکرد و باز بود، جاده دارخوین بود. نزدیکیهای ظهروارد آبادان شدیم. تقریباً ۱۵ کیلومتری دود بسیار غلیظی بر بالای شهر آبادان دیده میشد، لوله های انتقال نفت مورد اصابت راکت ها قرار گرفته و می سوخت. در مدخل شهر از دحام جمعیت که منتظر بودند وسیله ای پیدا کرده و شهر را ترک کنند دیده میشد، بطور کلی میتوان گفت کسانی که در شهرهای جنگ زده مانده اند فقیرترین افراد شهر هستند که نه هزینه سفر دارند و نه جای دیگری برای رفتن.

● مهر ۱۷

اهواز

از آبادان علم اهواز بودیم. سرجاده هنوز مردمی دیده میشدند که بارونه خود را بسته و منتظر پیدا کردن وسیله ای بودند تا خود را از شهر خارج کنند و برخی از آبادانی ها که در آغاز درگیری شهراتخلیه کرده و رفته بودند با طولانی شدن جنگ برای خارج کردن لوازم زندگی یا آبادان آمده و بلافاصله منازل خود را تخلیه میکردند. خستگی از جنگ در چهره تک تک مردم باقیمانده در شهردیده میشد.



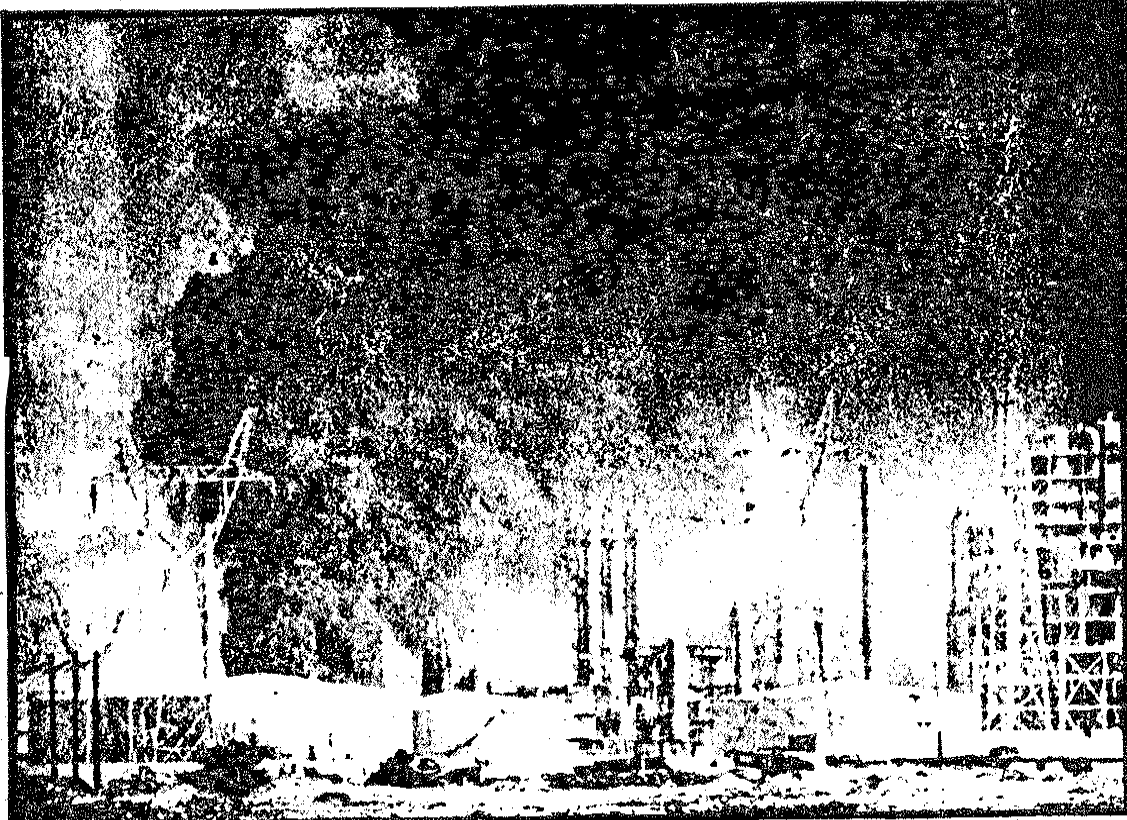
هموطنان مبارز توده های زحمتکش ایران

جنبش مقاومت خلق کرد که ستاره فروزان و خاموش نشدنی انقلاب ایران است، جنبشی که تاکنون قهرمانانانه از دستاوردهای قیام خونین خلق دفاع کرده است و در زیر شدیدترین فشارها و سرکوبیها استوار مقاومت نموده است، متکی به حمایت توده های سراسر ایران است. مبارزه خلق کرد، پیروزی یا شکست آن، از پیروزی یا شکست مبارزه ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای سراسر ایران جدا نشی ناپذیر است.

رژیم جمهوری اسلامی که تاکنون نتوانسته است با تکیه ارگانهای سرکوب خود، با تکیه توپ و تانک و بمبهای خود با تکیه محاصره اقتصادی کردستان، مقاومت قهرمانانانه خلق کرد را درهم شکند، اکنون "محاصره اقتصادی" را بیش از پیش تشدید کرده است. امروز جنبش مقاومت خلق کرد بیش از همیشه نیاز به حمایت های همه جانبه توده های سراسر ایران دارد. بهر شکل ممکن از جنبش مقاومت خلق کرد حمایت و دفاع کنید، در شرایط محاصره اقتصادی و سرمای زمستان با کمکی مالی خود و کمک های نظیر لباس گرم، پتو، پوتین و... جنبش مقاومت خلق کرد را یاری کنید.

انفجارها تا ساعت ۱۱/۵ شب نیز ادامه داشت، از ساعت یک نیمه شب بعد دیگر انفجارها خفیف شده بود ولی آتش سوزی هنوز ادامه داشت برای آمدن میگ ها اعلام خطر شد، نه آژیر کشیدند و نه را دیو خبر داد بقیه در صفحه ۱۵

کنند زیرا خطرناک است مردم با لباس خانه و بدن کفش در حال فرار بودند. قدرت انفجار بحدی بود که هر کس فکر میکرد خانه همسایه اش را زده اند، هنوز سرها و نیز گوش ها درد میکند. ترکش گلوله ها و ذرات ناشی از انفجارات تمام شهر را پوشانده بود



نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

سوسیالیسم و نیستمسالیسم

ایران بنیادهای وابستگی اقتصادی یعنی اساس ستمگری امپریالیسم را حفظ کرده است، از دیدگاه اپورتونیسیم مبارزه با سلطه ستمگرانه امپریالیسم را در منطقه هدف قرار داده است. شاید که حمایت از متجعبین افغانستان، امل... و یا سرکوب خلقهای تحت ستم، گردد،

ترکمن... بیانگر چنین رسالتی عظیم باشد! واقعا که سوسیالیسم شو نیستهاجه "موشکافانه" و بطور جدی "امردفاع از بورژوازی را بر عهده گرفته اند نامابادا" دچار انحراف و اشکالات اساسی "شوند. واقعا چگونه میتوان بین میهن پرستی بازرگان، بنی صدر، بهشتی و کمیته مرکزی خط فاصلی کشید؟ آنها در اصطلاح تحلیلی که از جنگ دولتهای ایران و عراق و ماهیت آن ارائه داده اند، به چنان اراجیف میندلی متوسل شده اند که نمونه آنرا آنها در "میزان"، "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" می توان یافت.

در یک چنین شرایطی تلاش در جهت توضیح معنی و مضمون واقعی این جنگ، افشای میهن پرستی دروغین بورژوازی، افشای سوسیالیسم شو نیستها، تعیین وظیفه کمونیستها در این جنگ از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

چگونه باید خصلت و ماهیت جنگ را ارزیابی کرد
لنین در اثر خود "جنگ و انقلاب" می نویسد:

"از نقطه نظر مارکسیسم یعنی سوسیالیسم علمی توین مسئله اصلی در هر بحث سوسیالیستها درباره جنگ، اینکه چگونه جنگ را ارزیابی کنند و چه گرایشی نسبت به آن اتخاذ کنند، اینست که: جنگ بخاطر چه چیزی و بجه علتی صورت گرفته، چه طبقاتی بدان دامن زده و آنرا هدایت می کنند، لنین در ادامه بحث خود می گوید: "جنگ ادامه سیاست بطریق دیگرست. تمام جنگها از نظامهای سیاسی که آنها را پدید می آورد، جدائی ناپذیرند. سیاستی که یک دولت معین، یک طبقه معین در درون آن دولت پیش از جنگ برای مدتی طولانی اعمال می کند، ضرورتا توسط همان

آنها در حین جنگها سرپوش بگذارند. اما وظیفه نیروهای انقلابی نه تلاش در جهت تخفیف این تضادها، نه دامن زدن به ناسیونالیسم تنگ نظران، بلکه دامن زدن به تضادها، تعمیق بحران و استفاده از این بحران در جهت منافع پرولتاریاست.

سوسیالیسم شو نیستهای "کمیته مرکزی" به توده ها اندرز می دهند که اگر خواستار آزادی و استقلال میهن مان هستند، حتما "باید به دفاع از جمهوری اسلامی برخیزند و رهبری "امام" را بپذیرند.

"کمیته مرکزی" می گوشت تا با تحمیل توده ها و منحرف ساختن آنها از جنگی واقعا رهایی بخش یعنی جنگی که علیه امپریالیسم، رژیم ضد خلقی عراق و بورژوازی "خودی" است، جنگ موجود را جنگی مقدس، ملی و انقلابی معرفی کنند و بدین طریق به بورژوازی "خودی" کمک کنند. تمام عبارت پردازیها و شیرین زبانیهای "کمیته مرکزی" نیز دقیقا در خدمت چنین هدفی است. والا چگونه ممکن است که در جنگ بین دو ضد انقلاب حاکمیت ایران را نجات دهند خلقهای تحت ستم ایران، عراق و تمام منطقه دانست و تا آنجا پیش رفت که گفته شود:

"این بار در تمام طول کرانه شمالی خلیج فارس، دولتی تاسیس شده که نه تنها نقش در دفاع از امنیت امپریالیسم در خلیج را بر عهده نداشت، بلکه علیه رعم تناقضات آن سوی اصلی و سمت گیری آن بطور آشکار و صریح مبارزه با سلطه ستمگرانه امپریالیسم در ایران و در تمامی منطقه بود.

انسان با خواندن این جملات در یک لحظه خیال می کند که در ایران نیز یک انقلاب کبیرا کثیر بوقوع پیوسته و پرولتاریای پیروز مندا ایران با قاطعیت، پی گیری و آشتی ناپذیری خود، آشکارا و صریحا مبارزه با سلطه ستمگرانه امپریالیسم را در تمام منطقه هدف قرار داده است اما بزودی متوجه می شود که خیر، این دولت با "تمام تناقضات" خود چنین رسالتی عظیم را بر عهده گرفته است و "سوی اصلی" و "سمت گیری" آن آشکارا مبارزه با سلطه امپریالیسم در ایران و منطقه است! حاکمیتی که در

شروع می شود. (درباره غرور ملی و لیکاروسها

لنین) "کمیته مرکزی" نیز همصدا با تمام ضد انقلابیون فریاد دفاع از میهن را سر میدهند! کدام میهن؟ میهن بازرگان، میهن بهشتی، میهن کودتاچیان، میهن استثمارگران و ستمگران یا میهن توده های زحمتکش؟ کمیته مرکزی در تلگراف خود از میهن نوع اول دفاع می کند و در ارگان خود همرا بزرپرچم آن فرامیخواند. آنها حتی برای اثبات چاکری خود در آستان بورژوازی تا بدانجا پیش می رود که آشکارا تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی را منکر می شوند و می نویسند:

"سمت گیری تمام طبقات اجتماعی تحت الشعاع جنگ "علیه تجاوز خارجی" قرار گرفته است. جنگ با دولت عراق تضادهای طبقاتی و گسترش مبارزه طبقات را تحت تاثیر خود گرفته است"

(ارگان سراسری شماره ۷۸) اینجاست که اپورتونیسیم و آستان بوسی بورژوازی در ناب ترین و کامل ترین شکل آن و در توجیه گرایانه ترین شیوه استدلال خود را نشان میدهد.

سوسیالیسم شو نیستهای "کمیته مرکزی" با این استدلال می گوشت تا بر تضادهای طبقاتی و عمق یابی بحران در حین جنگ سرپوش بگذارند. آنها به تبلیغ این ایده می پردازند که دفاع از جمهوری اسلامی همه چیز را تحت الشعاع قرار داده و جنگ "تضادهای طبقاتی و گسترش مبارزه طبقاتی را تحت تاثیر خود قرار داده است" پس پیش بسوی همکاری طبقاتی! پیش بسوی فرمانبرداری از بورژوازی! این است آنچه که "کمیته مرکزی" تبلیغ می کند و بدین طریق می گوشت بر تضادهای طبقاتی و عمق یابی بحران در حین جنگ سرپوش بگذارد. واقعیت این است که تضادهای طبقاتی بهنگام جنگ نیز ادامه می یابند، لیکن بورژوازی و عاملین آن در جنبش کارگری تلاش می کنند با دامن زدن به ناسیونالیسم بورژوائی، با دامن زدن به توهم توده ها بر تضادهای طبقاتی و ادامه

آشکارترین وجهی در بوزه گسی "کمیته مرکزی" و شو نیستمس تمام عیار آنها بنمایش گذاشته شده است، نقطه پایانی است بر جریانی که تا کنون فریبکارانه می گوشتد با الفاظ و عبارات گول زننده به طبقه کارگر خیانت کند.

مضمون تلگراف که در حقیقت رد مبارزه طبقاتی، رده زومنی پرولتاریائی، انکار صاف و سیاست مستقل طبقه کارگر را با دفاع طلبی شو نیستی بهم گره زده است، عمق فساد و گندیدگی را نشان می دهد. "کمیته مرکزی" اکنون بصراحت اعلام می کند که "وظیفه هر میهن پرست واقعی و هر رزمنده راه استقلال و آزادی است که با تمام قدرت دفاع از جمهوری اسلامی (بخوان از منافع بورژوازی) برخیزد. آنها می نویسند:

"در این شرایط مبارزه با امپریالیسم آمریکا و مبارزه با تجاوزات رژیمهای منطقه و دفاع از استقلال میهن معنائی جز دفاع از جمهوری ندارد. برآستی که اکنون تمام پرده ها بکنار زده شده و دفاع آشکار از جمهوری اسلامی و ضد انقلاب حاکم، بصورت آخرین کلام اپورتونیسیم در آمده است.

"کمیته مرکزی" از میهن و استقلال دم می زند و از همه می خواهد که بخاطر دفاع از استقلال و دفاع از میهن، از جدی گیری دفاع کنند. اما کدام استقلال و کدام میهن مورد نظراست؟ امروز همه از استقلال و میهن دم می زنند. فراریان وطن فروش اما دگی خود را برای بازگشت به میهن و شرکت در دفاع از استقلال و میهن اعلام می کنند. کودتاچیان مزدور، ارزندانها آزاد شده و رسالت دفاع از میهن را بر عهده میگیرند، جناح لیبرالها - بنی صدر، بازرگان - و جناح بهشتی، رفسنجانی، همه در یک جبهه فریاد دفاع از میهن را سر میدهند. شرایطی پیش آمده که بقول لنین "... در

اینجانی توان تشخیص داد که حد فاصل بین مداخله جیره خوار نیکلارومانوف دژخیم یا شکنجه دهندگان سیاهان و مردم هنداز یکطرف و خرده بورژوازی جاهلی که از روی کودنی با ستم عنصری "موافق با جریان شنا می کند" از طرف دیگر از کجا

شرایط فوق العاده متحول و تغییر و تحولات بسیار سریع که ویژگی جامعه ما در مقطع کنونی است، برآستی در هر روز به توده های زحمتکش میهن ما و جنبش کمونیستی ایران در سهائی را می آموزد که به هیچوجه نظیر آن را نمی توان در سالهای سکون و آرامش جنبش توده ای و تغییر و تحولات آرام پیدا کرد.

اکنون جنبش مادر مدت نزدیک به ۳ سال آنچنان در سهائی را موخته و تحولاتی را تجربه کرده است که گذشت سالها لازم بود تا باین تجارب غنی دست یابد.

این سرعت تغییر و تحولات و این چرخشهای سریع که فاگسترش و عمق یابی مبارزه طبقاتی همراه بوده است، تا تاثیر قاطع و اجتناب ناپذیر خود را بر جنبش کمونیستی بر جای گذاشته است. در اینجا نیز همگام با تحولات سریع جامعه، همه چیز با سرعت حیرت آوری رخ می دهد. باران نیمه راه و مرددی که موج خروشان جنبش در مرحله ای آنها را بدرون جنبش کمونیستی کشانده بود، بسرعت تغییر جهت میدهند، اپورتونیسیت هائی که تا دیروز چهره زشت و فریبکار خود را پشت الفاظ و عبارات مارکسیستی پنهان می کردند، در مدتی کوتاه به دفاع آشکار از بورژوازی بر خاستند، و اکنون جنگ دولتهای ایران و عراق باعث شده است که اپورتونیسیم تکمیل شده یعنی شو نیستمس آنرا خود نمائی کند. واقعا که تحولات در همه زمینه ها حیرت آور و سر گجها و راست.

"کمیته مرکزی" که بله های سقوط به منقلب اپورتونیسیم را با سرعتی حیرت آور و باور نکردنی پیموده است، اکنون به انتهای خط رسیده و در کامل ترین شکل اپورتونیسیم یعنی شو نیستمس دفاع از بورژوازی برخاسته است. "جنگ موجب تسریع این تکامل گردیده، اپورتونیسیم را به سوسیالیسم شو نیستم بدل کرده، وحدت پنهانی اپورتونیسیتها و بورژوازی را به وحدت علنی مبدل نموده است.

(سوسیالیسم و جنگ - لنین) تلگراف "کمیته مرکزی" به آیت الله خمینی که در آن به

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک

طبقه در حین جنگ ادامه می یابد، تنها شکل عملی تغییر می کند" (جنگ و انقلاب)

جنگی که اکنون بنحوی گسترده بین دولت های ایران و عراق در جریان است قبل از هر چیز ادامه سیاسی است که این دو دولت، پیش از جنگ اعمال می کردند. سیاسی که دقیقاً ارتباط لاینفک با رژیم های سیاسی حاکم بر این دو کشور و طبقات حاکم داشته است، رژیم های سیاسی حاکم بر ایران و عراق که از منافع بورژوازی دو کشور دفاع می کنند، در زمینه سیاست داخلی نسبت به خلق های دو کشور سیاسی متمکراته و سرکوبگرانه در پیش گرفته، این دو کشور در زمینه سیاست خارجی نیز همین سیاست را ادامه داده و از طریق همکاری و اتحاد با رژیم های ارتجاعی منطقه و حمایت و پشتیبانی از جنبش های ارتجاعی عملاً در همسوئی با امپریالیسم و مقابله و سرکوب جنبش های مترقی قرار گرفته اند، دولت عراق در کنار رژیم های ارتجاعی و سرسپرده منطقه نظیر اردن و عربستان بنحوی در همسوئی و عملاً در خدمت امپریالیسم و سیاست های آن قرار گرفته است و دولت ایران با پشتیبانی و حمایت همه جانبه از مرتجعین افغانستان و مخالفین در برابر نیروهای انقلابی و مترقی بنحوی دیگر این هم سوئی را با امپریالیسم داشته است. اینکه آیا کدامیک کمتر ارتجاعی و کدام همسوئی داشته است، نظریات که هیچیک در شرایط کنونی نقش انقلابی و مترقی ندارند، در ماهیت جنگ دو کشور "تائیری" ندارند. هر دو دولت در منطقه سیاسی ما جراحویا نه و هر یک بنحوی همزبانی طلبانه در پیش گرفته اند و این سیاست سوای منافع طبقاتی و مادی که در پشت آن نهفته است، در شرایط صورت گرفته که هر دو دولت در شرایط بحرانی و نارضایتی بوده ها قرار گرفته اند. این سیاست بویژه در شرایط بحران قدرت در منطقه و بحران قدرت در ایران بنحوی اجتناب ناپذیری می یابست در نقطه ای معین شکل دیگری جنگ ادامه میابد در یکسو این جنگ دولت ضد خلقی و ارتجاعی عراق قرار دارد که از منافع بورژوازی وابسته عراق دفاع می کند. بورژوازی عراق در این جنگ دو هدف مشخص را تعقیب می کند ۱- حل بحران قدرت در منطقه به سرکردگی خود ۲- کسب نقش برتر در منطقه، در اختیار گرفتن مواضع استراتژیک در خلیج فارس و بالنتیجه کسب منافع و سود های بیشتر.

پس از سرنگونی رژیم مزدور ساه که نقش زاندار می منطقه و نامین باصطلاح "امنیت" برای امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی و سرسپرده منطقه را در خلیج

فارس بعهده داشت و با ضرباتی که مبارزات توده های زحمتکش میهن ما به بورژوازی وابسته ایران و ارگانها و نهاد های وابسته با نظیر ارتش ضد خلقی ایران وارد آورد، نوعی خلافت قدرت و بحران قدرت در منطقه پدید آمد. انقلاب ایران تا اثر اجتناب ناپذیر خود را بر کل منطقه برجای نهاد و توده های تحت ستم منطقه را علیه رژیم های ارتجاعی منطقه بحرکت در آورد بنا بر این موجودیت رژیم های مزدور ضد خلقی منطقه بخطر افتاد، اما از آنجا که نیروهای انقلابی منطقه در شرایطی قرار داشتند که از این شرایط مناسب بهره برداری کنند، رژیم حاکم بر ایران که خود محصول سازش نمایندگان خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی بود سعی کرد رهبری این جنبش را در دست گیرد و در جهت منافع خویش بخدمت گیرد. از اینجاست که تضاد میان بورژوازی ایران و عرب تحت لوای امپریالیسم عربی و پان اسلامیم ایرانی شدت گرفت.

رژیم عراق که از یکسوی پس از رژیم مزدور شاه دومین قدرت منطقه خلیج فارس محسوب میشد و از سوی دیگر با توجه به رشد روز افزون نارضایتی توده های عراق و تاثیر بیشتر جنبش توده های عراق و بویژه با توجه به نفوذ و اتوریته رهبران مذهبی ایران در میان شیعیان عراق و باصطلاح "صدور انقلاب" از جانب آنها شدیدا احساس خطر می کرد، نقطه درگیری میان بورژوازی ایران و عرب شد، بنا بر این کوشید که از یکسو بحران قدرت در منطقه را بسرکردگی خود حل کند و در این رابطه نقش برتر را در منطقه بدست آورد، مناطق استراتژیک را در اختیار خود گیرد و امتیازات تازه ای از بورژوازی ایران بگیرد. البته تضاد منافع بورژوازی ایران و عرب حتی در گذشته در دوران رژیم شاه نیز بجهت مختلف وجود داشت و عمل می کرد. بورژوازی عراق که پس از انعقاد قرارداد الجزایر و سازش با رژیم مزدور شاه در ازای دادن پاره ای امتیازات فرصت یافت که توده های زحمتکش عراق بویژه خلق تحت ستم کرد را سرکوب کند، پس از سقوط رژیم و ضرباتی که به بورژوازی ایران وارد آمد، دیگر حاضر نبود قرارداد الجزایر را بپذیرد و رعایت کند، بلکه خواهان امتیازات بیشتر، در اختیار گرفتن مناطقی استراتژیک در نزدیکی قصر شیرین، شط العرب، کنترل مستقیم یا غیر مستقیم بر جزایر سه گانه و بالنتیجه کنترل تنگه هرمز و بکرسی نشاندن ادعای های خود بود.

رژیم عراق بویژه اکنون که بار شد نارضایتی توده ها و روبر

است تلاش می کند با برانگیختن موج ناسیونالیسم عربی و احساسات شوینستی، با شعار آزاد کردن سرزمین های عربی، توده های زحمتکش عراق را نیز بفریبد. رژیم عراق در جهت اجرای این اهداف و مقاصد خود با ارتجاعی ترین رژیم های منطقه نظیر عربستان سعودی، اردن و شیوخ مرتجع خلیج فارس متحد شده و بدین طریق اهداف و سیاست های آن با سیاست امپریالیسم که خواهان حفظ موجودیت و تثبیت رژیم های ارتجاعی و نیز تائین "امنیت" در منطقه است، کاملاً همسوئی پیدا کرده است. این سیاست های ارتجاعی رژیم عراق که اکنون بشکل جنگ درآمده است، از سیاست داخلی که مبتنی بر دفاع از منافع بورژوازی و استثمار و ستم بر توده های زحمتکش است ناشی شده و ادامه است. یک جنبش جنگی از آنجا که نه در خدمت منافع توده های زحمتکش عراق بلکه در خدمت منافع بورژوازی عراق و بطور کلی بورژوازی عرب و امپریالیسم جهانی قرار دارد، جنگی غیر عادلانه و ضد انقلابی است.

در سوی دیگر این جنگ دولت ایران قرار گرفته است، دولتی که در حین قیام توده ها، از طریق سازش سران سازشکار خرده بورژوازی با بورژوازی بقدرت رسیده است. این دولت که بورژوازی متوسط در آن نقش مسلط را دارد، علیرغم فشار توده ها و تضادهای درونی در اساس سالوده های سیستم سرمایه داری وابسته را حفظ کرده و با هزاران توجیه و تفسیر از منافع بورژوازی دفاع می کند و سیاست های بورژوازی را پیش می برد. رژیم سیاسی حاکم بر ایران در زمینه سیاست داخلی سیاست سرکوب توده های زحمتکش، سرکوب خلق های تحت ستم ایران و سرکوب سازمانها و گروه های انقلابی را دنبال کرده و از منافع بورژوازی و ملاکان دفاع می کند، ادامه این سیاست در عرصه سیاست خارجی بشکل نزدیکی با امپریالیست های اروپا و ژاپن دشمنی بی پرده و آشکار نسبت به جنبش های کمونیستی و کشورهای سوسیالیستی، حمایت و تقویت جنبش ها و سازمان های ارتجاعی در افغانستان، در لبنان (امل) در ترکیه (رستگاری ملی) ... بوده است. رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای پان اسلامیم، در شرایطی که خود با یک بحران داخلی روبروست سیاستی همزبانی طلبانه را بویژه در منطقه اعمال کرده است. سیاستی که نه تنها بمنظور انحراف توجه منحرف کردن نارضایتی آنها صورت گرفته، بلکه مشخصاً منافع مادی بورژوازی ایران پشت آن قرار دارد. چنین

سیاستی نمی توانست در نقطه معینی منجر به جنگ نشود. بنا بر این با توجه به رژیم سیاسی حاکم بر ایران، با توجه به کلیت سیاست داخلی و خارجی آن و با توجه به اینکه این جنگ نه در خدمت منافع توده ها بلکه در خدمت منافع بورژوازی قرار دارد، جنگ از جانب دولت ایران نیز جنگی عادلانه و انقلابی نیست. ممکن است عده ای روابط نزدیک رژیم جمهوری اسلامی با سازمان آزادی بخش فلسطین، الجزایر و با اختلافات آن را با امپریالیسم آمریکا بعنوان نمونه هایی که توجیه کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی است ذکر کنند و بدین طریق بخواهند، بر نقش انقلابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و بر ادامه این سیاست یعنی جنگ تاکید کنند. این شیوه برخورد بنا بر سیاست نادرست و انحرافی است. همیشه و در هر موردی میتوان مثالهایی را ذکر کرد که بتواند تائیدی بر حقانیت استدلال یکطرفه باشد. اما یک مارکسیست پدیده را در کلیت آن بررسی می کند. بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی مشخص، بدون در نظر گرفتن وضعیت تاریخی اقتصادی "بدون بررسی رژیم سیاسی کشورهای درگیر در جنگ و بویژه سیاست داخلی و خارجی آنها نمی توان به ارزیابی ماهیت و خصلت جنگ پرداخت. "جنگ ادامه سیاست است" قبل از بررسی هر جنگی باید سیاست را بررسی کرد، سیاستی که منجر به جنگ شده است. بدون بررسی این مسئله هر گونه اظهار نظری در مورد جنگ بوجهی اساسی است. برای بررسی و شناخت خصلت یک جنگ باید رژیم داخلی آن کشور را مورد بررسی قرار داد. بقول لنین خصلت یک جنگ "عمدتاً به رژیم داخلی آن کشوری بستگی دارد که دست بجنگ می زند. جنگ انعکاس سیاست داخلی است که توسط یک کشور معین قبل از جنگ اعمال شده است و تمام اینها بنحوی اجتناب ناپذیری در جریان جنگ نیز انعکاس می یابد." (خطاب به دومین کنگره سراسری سازمانهای کمونیستی خلقهای شرق) اینست دلیل اینکه چرا ما منتقدیم برای ارزیابی ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق و خصلت آن بعوض توجه به اینکه کدامیک زودتر جنگ را آغاز کرده و او اکنون موقعیت نیروهای آنها چگونه است، باید رژیم داخلی آنها، سیاست های داخلی و خارجی این دو دولت قبل از جنگ، شرایط تاریخی مشخص و اهداف آنها را در نظر داشت و الا نگرانیهای برانگیز بهیچوجه ماهیت جنگ را روشن نمی کند. اینکه رژیم عراق نیز بنحوی از جنبش خلق فلسطین حمایت می کند، با صهیونیسم درگیر است، با رژیم سرسپرده

مصرف توده های دارد و با با امپریالیسم آمریکا هنوز روابط دیپلماتیک ندارد و در برخی موارد در سیاست خارجی خود از کشورهای سوسیالیستی و جنبش های انقلابی حمایت می کند، درهای از ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم عراق و خصلت تجاوزکارانه و غیر عادلانه جنگ آن کشور نمی گاهد تنها کونه نظران نادان نظیر شوینست های "کمینه مرکزی" تلاش می کنند تا با ذکر مثالهای جداگانه و جدا کردن سیاست داخلی و خارجی از یکدیگر به ارزیابی جنگ و ماهیت و خصلت آن بپردازند. "کمینه مرکزی" که در ارگان خود نمونه تیپیک یک ارزیابی بورژوازی لیبرالی از مسئله جنگ را ارائه داده است، حتی در یک مورد از سیاست های سرکوبگرانه و ستمگرانه جمهوری اسلامی علیه توده های زحمتکش سخنی بمیان آورد. آنها سیاست خارجی را بطور کلی از سیاست داخلی جدا می کنند و جنگ را از جانب رژیم جمهوری اسلامی عادلانه میدانند. مارکسیست ها بخوبی آگاهند که هیچ ایده ای خطرناکتر و فریبکارانه تر از این نیست که سیاست خارجی را از سیاست داخلی جدا نمود. کاری که بویژه در شرایط جنگ بنحوی خطرناکتر صورت می گیرد و بورژوازی و بیلدهای آنها بتبلیغ و ترویج آن می پردازند. "کمینه مرکزی" که تمایلی به بررسی رژیم سیاسی حاکم و سیاست های داخلی آن نشان نمی دهد، در ارزیابی ماهیت جنگ با ساده لوحی کودکانه ای می گوید: "دولت ایران بنا بر تمام شواهد موجود جنگ را علیه عراق آغاز نکرده است" تو گوئی که ماهیت جنگ را با آغاز کردن جنگ میتوان شناخت مثلاً چنانچه جمهوری اسلامی جنگ را آغاز کرده بود، در آن صورت ماهیت جنگ تغییر می کرد. از نظر آنها آغاز جنگ و موقعیت نیروهای درگیر در جنگ ماهیت آن را مشخص می کند.

"شخص عامی نمی فهمد که جنگ ادامه سیاست است" از این رو قناعت می کند به اینکه بگوید "دشمن حمله کرده، دشمن کشور مرا اشغال کرده" بی آنکه از خود بپرسد جنگ به چه منظوری انجام می شود، کدام طبقات برای رسیدن به کدام هدف سیاسی آنرا انجام میدهند. . . . برای شخص عامی مهم این است که بداند لشکرها به کجا رسیده اند، فعلاً برد با کیست، اما برای مارکسیست مهم این است که بداند جنگ فعلی که در جریان آن گاهی این و گاهی آن ارتش می توانند برنده باشند به چه منظوری به پیش برده می شوند (کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره اگونومیسم امپریالیستی) بر طبق معیارها و موازین



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



بارکسی سام خواهد موحود
سان سید قد که حکم دولتهای
ایران و عراق به در خدمت منافع
نوده های زحمتکش، نه در جهت
منافع پرولتاریا، نه جنگی برای
آزادی ملی و علیه ستم ملکی
بلکه جنگی ست که در خدمت
منافع بورژوازی ایران و عراق،
دولتهای دو کشور، جاسام
طلبیهای آنها و امیرالیسم
جهانی قرار دارد. این جنگ را
بهیچوجه نمی توان از جانب
یکطرف جنگی مشروع، مقدس
و عادلانه ارزیابی کرد.

موضع کمونیستها در جنگ
آیا اصولا کمونیستها مجازند
که در جنگ بین دولتهای
ارتجاعی، در جنگ بین دوزخ
انقلاب، شرکت کنند و با جانب
یک دولت را بگیرند؟ و اصولا باید
چه موضعی را اتخاذ کنند؟
"دیالکتیک مارکسیستی
منسازم تحلیل مشخص از هر
وضعیت تاریخی خاص است"
(در باره جزوه یونیوس)

اولا- نمی توان بدون توجه
به وضعیت تاریخی مشخص
بازرسی و تعیین ماهیت جنگ
پرداخت. ثانیا- نمی توان
بدون توجه به شرایط تاریخی
هر جنگ، بی قید و شرط
شرکت در جنگ، از جمله جنگ
دو صد انقلاب را در کرد.

"کمیته مرکزی" که گویا شنیده
است لنین مطرح می کند که
طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی
در جنگ امپریالیستی با بدلوله
تفنگ خود را بر روی دولتهای
"خودی" برگردانند، با گنج
سری حیرت آوری می برسند پس
چرا آنهاست که حاکمیت را ضد
خلق می میدانند، لوله تفنگ خود
را بسوی این حاکمیت بر
نمی گردانند؟

سینیم سوسیال شونیستها
چه می گویند و چگونه استدلال
می کنند، آنها می نویسند:
"بیکاری های خجول"
(اسرف راه کارگر، اقلیت
و امثالهم) بدون اینکه حرات
داشته باشند و یا در ستر
بگوئیم بدون اینکه یک تحلیل
علمی و مارکسیستی از ماهیت
این جنگ ارائه دهند، بنا بر
اینکه های کاملا کنگ و سردرهم
با توجیه های من در آوردی و بر
خلاف تحلیل های سراسر مغلوطی
که تاکنون ارائه داده اند،
علیه رژیم عراق فرمان آتشی
صادر می کنند و نام "دفاع از
میهن" و "مقابله با تجاوز" هم
روی آن می گذارند "کمیته
مرکزی" چنین ادامه می دهد:
"بیکاری های خجول اکنون از
رژیم ضد خلقی و ضد کارگری!
(اصطلاحی که را دیوبعد بکار
می برد) نام می برند و مردم را
بدستی با آن فرامی خوانند،
جنگیدن علیه جمهوری اسلامی
را محارزه حتی عملی انقلابی و
نشانه اوچرادیکالیم بشمار
می آورند و در عین حال می خواهند
"پوزه تجاوزگران را بچاک"
بمالند (نشریه اقلیت، سه شنبه

اول مهرماه) اینها یا آنقدر
نادانند که هنوز نمی دانند که
دفاع از میهن برای کمونیستها
زمانی که رژیم ضد خلقی روی
کار باشد، هیچ معنایی جز مبارزه
با همان رژیم ضد خلقی نمی تواند
داشته باشد. . . . اکنون
آنارشیستها فراموش کرده اند
که از یکسو آنها از رژیم ضد خلقی
جمهوری اسلامی صحبت میکنند
و از سوی دیگر شعار دفاع از میهن
می دهند و از حکومتی که آن را ضد
خلق می دانند طلب می کنند که
نوده ها را برای مقابله با تجاوز
بیکانگان به حریم جمهوری
"ضد خلقی" اسلامی ایران مسلح
کنند و به جنگ با رژیم عراق
بفرستند و از سوی دیگر خلق کرد
را ترغیب می کنند که علیه "رژیم
ضد خلقی خمینی" بجنگند و از
سوی دیگر شعار می دهند که پوزه
رژیم عراق را بچاک خواهیم
مالید. . . . آنها از یکسو از
دولت ضد خلقی می خواهند که
مردم را مسلح کند و از سوی دیگر
علیه این دولت "ضد خلقی" خود
وارد جنگ می شوند و از سوی دیگر
در کنار نیروهای مسلح این دولت
می دهند. . . . این است
چکیده های از ادعای ناموسویال
شونیستها علیه آنارشیستها
"بیکاری های خجول" تکرار
کنندگان اصطلاح را دیوبعدا!
و . . .

الحق که "کمیته مرکزی" به
منظور توجیه مشی سازشکارانه
خود و اثبات وفاداریش به
حاکمیت ستم تمام گذاشته است
و یک مجموعه تحریفات و مخرفات
بورژوا-لیبرالی را بنام یک
تحلیل مارکسیستی از مسئله
جنگ ارائه داده است.

ما در اینجا لازم میدانیم توجه
"کمیته مرکزی" را به مقاله های
که ما در کار ۷۸ (ماهیت دولتهای
ایران و عراق و موضع ما) در باره
ماهیت جنگ دولتهای ایران و
عراق نوشته ایم جلب کنیم که
دقیقا پیش از انتشار با اصطلاح
تحلیل آنها از ماهیت جنگ
منتشر شده است. ما در آنجا
با صراحت هر چه تمام تر و با
معیارها و موازین دقیق
مارکسیستی نشان دادیم که این
جنگ از جانب هر دو دولت جنگی
غیر انقلابی، غیر عادلانه،
ارتجاعی و تجاوزکارانه است و
بر خلاف ادعای "کمیته مرکزی"
شعار دفاع از میهن را مطرح
نکردیم. بلکه بالعکس ما
پوشیم: "باید به نوده ها
آموخت که وطن پرستی
بورژوازی کاذب است زمانی
که منافعی ایجاب کند، بسا
بورژوازی کشور دیگر بندوبست
می کند، میهن را می فروشد و
نوده ها را سرکوب می کند" و در
رابطه با ماهیت ارتجاعی جنگ
و بر خلاف استدلال "کمیته
مرکزی" که ماهیت جنگ را بدین
طریق تعیین کرده است که رژیم
عراق ابتدا جنگ را آغاز نموده.
ما با بررسی سیاستهای داخلی

و خارجی دولتهای ایران و
عراق یعنی سیاستی که منجر به
جنگ شد، با بررسی این مسئله
که کدام طبقات به چه علت
و در جهت دست یابی به چه
اهدافی جنگ را آغاز کرده اند،
گفتیم که: "جنگ دولتهای
ایران و عراق تنها و تنها در
خدمت و نفع سرمایه داران دو
کشور امپریالیسم جهانی است."
ما تنها جنگی را عادلانه و انقلابی
می شناسیم که از جانب نوده های
زحمتکش برای رهایی از قید
ستم و وابستگی، بندگی و
استثمار بدان دامن زده شده
است و در سر لوجه رهنمود
های خود گفتیم: "با افشای
ماهیت ارتجاعی جنگ برای
دفاع از منافع زحمتکش میهن
بهر همنمودهای دلیل توجه کرده
و با آنها عمل کنید." آیا صریح
تر از این میتوان در باره ماهیت
ارتجاعی جنگ صحبت کرد که
سوسیال شونیستهای ما اینهمه
نگران آن هستند.

آنها بنا به مدح بورژوازی
مطرح می کنند که تنها اگر ما
رژیم جمهوری اسلامی را انقلابی
بدانیم حق داریم که نوده ها را
مسلح کنیم و علیه هرگونه
تجاوز به حقوق زحمتکش از
آنها دفاع نمائیم. آنها که
شرط صداقت انقلابی را در
دفاع از جمهوری اسلامی یقینند،
چنین استدلال می کنند یا ما
باید در جنگ دولتهای ایران و
عراق رژیم جمهوری اسلامی را
انقلابی بدانیم و اگر هم نیست
همانند "کمیته مرکزی" توجیهاتی
برای آن پیدا کنیم و علیه رژیم
ضد خلقی عراق وارد جنگ
شویم و از میهن دفاع کنیم یا
اینکه قبل از همه لوله های
تفنگ خود را بسوی رژیم جمهوری
اسلامی نشان رویم. یک چنین
نتیجه گیری اگر ساده لوحی
کو دکانه نباشد، سفسطه است.
واقعا این استدلال مسخره و
صدور این حکم بی دلیل تنها
از دهان کسانی بیرون می آید که
یا اساسا درکی از مارکسیسم -
لنینیسم، مسئله جنگ و تحارب
غنی پرولتاریای بین المللی
ندارند و یا اینکه صاف و ساده
بگوئیم، بمنظور توجیه سیاست
های سازشکارانه مطرح میشود.
و بی دلیل نیست که "کمیته
مرکزی" (پس از صغری و کبری
چینی های اپورتونیستی، پس
از تعریف و تمجیدهای احفانه
و چالوسانه از شاهکارهای ضد
امپریالیستی حاکمیت نتیجه
می گیرد که: "باور کنید در شرایط
کنونی دفاع از استقلال و آزادی
بمعنای دفاع از جمهوری اسلامی
است."

ما در اینجا لازم میدانیم که
بر روی احکام بی دلیل "کمیته
مرکزی" اندکی مکت کنیم و بی
اعتباری آنها را از جنبه تئوریک
مورد بررسی قرار دهیم.
"کمیته مرکزی" اساسا
نقشه ها است که با مسئله جنگ
بطور کلی، جنگ دو دولت

ارتجاعی و جنگ دو نیروی ضد
انقلابی باید برخوردی تاریخی
و مشخص داشت. یک جنگ که
در شرایط مشخص جنگی انقلابی
و عادلانه است، در شرایط
مشخص دیگر جنگی غیر عادلانه
و ارتجاعی است و نیز یک دولت
ارتجاعی میتواند در جنگی
عادلانه شرکت کند. هر جنگ را
باید در بطن شرایط مشخص
تحلیل کرد و در قبال آن موضع
معینی اتخاذ نمود. هیچ چیز
مضحک تر و بی پایه تر از این
نیست که بگوئیم در جنگ دو
نیروی ارتجاعی و ضد خلقی
بدون توجه به شرایط مشخص
همزمان باید تفنگها را علیه هر دو
نشان گرفت. لنین هنگام بررسی
نظریات اشتباه آمیز
روزالوکزانبورگ در برخورد با
مسئله جنگ می نویسد:
"این تنها یک اشتباه خواهد
بود اگر انسان نخواهد در
افراط در این حقیقت، از
خواست مارکسیسم، از کنگرت
بودن، منحرف گردد و قضاوت
در باره جنگ کنونی را به کلیه
جنگهای ممکنه در عصر
امپریالیسم تعمیم داده و جنبش
های ملی بر علیه امپریالیسم
را بفراموشی سپارد." از همین
دیدگاه است که حتی لنین از
امکان تبدیل یک جنگ
امپریالیستی بیک جنگ ملی و یا
بالعکس صحبت می کند و
می نویسد:
"اینکه کلیه خطوط تمایز در
طبیعت و در جامعه مشروط و
قابل انتقال می باشند، اینکه
هیچ پدیده ای را نمی توان یافت
که تحت شرایط معینی نتواند
به عکس خود تبدیل نگردد،
امری است که البته از مباحثی
اساسی دیالکتیک مارکسیستی
بشمار میرود. یک جنگ ملی
می تواند به جنگی امپریالیستی
تبدیل شود و بالعکس" (لنین
در باره جزوه یونیوس)

لنین بدرستی مسئله برخورد
مشخص تاریخی را با مسئله
جنگ مطرح می کند، زیرا جنگها
در زمره پیچیده ترین مسائل
اجتماعی هستند و بسادگی
نمی توان از طریق کلیشه
بر داری حکم صادر کرد.
آیا لنین می توانست در عصر
امپریالیسم همان برخوردی را
با مسئله جنگ داشته باشد که
مارکس و انگلس داشتند و
همانگونه در مورد جنگهای
امپریالیستی قضاوت کند که
مارکس در مورد جنگ ناپلئون و
بیسمارک و یا جنگ ایتالیا
داشت؟ آیا کمینترن می توانست
دقیقا همان برخوردی را در
شرایط تسلط فاشیسم بر اروپا
با مسئله جنگ داشته باشد، که
لنین در جنگ جهانی اول در
برخورد با دیوبلوک امپریالیستی
داشت، طبیعی است که خیر.
اینکه آیا اصولا میتوانست
حاکمیتی ضد خلقی، در یک کشور
بر سر کار باشد و در همان حال
بدون اینکه ذره ای از ماهیت

ارتجاعی آن کاسه شود، در
شرایط معین مثلا برای دفاع از
میهن، نیروهای انقلابی حتی
با آن منحذ شده و علیه اشغالگران
مبارزه کنند، در این مورد (جنگ)
جهانی دوم نمونه های متعددی
را ارائه میدهد و بقدر کافی مسئله
روشن است.

نمونه دیگر اریا و ریم، آریا
در جنگ دوزخ انقلاب اصولا
کمونیستها حق دارند و لوانیکه
با یکی همسوئی پیدا کنند علیه
یکی از آنها بجنگند؟ پاسخ مثبت
است، و در شرایط مشخص میتوان
چنین کرد. مثلا برخورد
بلشویکها با شورش کورنیلوف و
شرکت آنها بطور مستقل در جنگ
ضد انقلاب کورنیلوفی و کرسکی
از این گونه است. لنین در
نامه ای خطاب به حزب کارگر
سوسیال دمکرات روسیه نوشت:
"غفیده من بر این است که آن
افراد دچار بی پرستی
می شوند که مانند (ولودارسکی)
به سیاست دفاع طلبی و یا
(مانند دیگر بلشویکها) به
سیاست تشکیل بلوک با اسراها
و حمایت از دولت موقت سقوط
می کنند. برخورد آنان مطلقا
اشتباه و از روی پرستی است،
مانند پس از انتقال قدرت به
پرولتاریا، پس از پیشنهاد صلح
پس از، از میان رفتن قراردادها
و وابستگی های مخفی با بانکها
تنها پس از اینها است که
دفاع طلب خواهیم شد، نه تسخیر
ریگا، نه تسخیر پترز و گرا دهیچیک
ما از دفاع طلب نخواهد کرد . . .
تا از آن زمان ما خواهان انقلاب
پرولتری خواهیم بود. تا علیه
جنگ بوده "دفاع طلب نیستیم"
لنین تو گوئی این مقاله را
برای سوسیال شونیست های ما
نگاشته است، چنین ادامه
میدهد:
"حتی الان هم نباید از
دولت کرسکی . . . کنیم.
این بی پرستی است. کن
است از ما سؤال شود. آیا ما
علیه کورنیلوف نخواهیم جنگید؟
البته که باید چنین کنیم! اما
این دو یک چیز نیست. یک خط
فاصل در اینجا وجود دارد که
برخی بلشویکها آن را که به
موضع سازش افناد اند و بخود
آنان را با خود ببرد از سر آن
می برند.

ما خواهیم جنگید، ما با
کورنیلوف در حال جنگیم.
درست همانطور که سر بازاران
کرسکی هستند، لیکن ما از
کرسکی حمایت نخواهیم کرد.
بالعکس ضعف او را افشاء خواهیم
نمود. . . . ما شکل مبارزه خود
علیه کرسکی را تعیین می دهیم،
ما بی آنکه حتی یک ذره دشمنی
خود را نسبت به او تخفیف دهیم
بی آنکه (حتی) یکی از حرف
هایی را که علیه او زده ایم پس
بگیریم، بی آنکه از وظیفه
سرنوینی او عدول کنیم،
می گوئیم که می باید شرایط



سوسیال شوونیستها و مسئله جنگ

نمی توانند بفهمند که در شرایط خاص حاکم بر ایران معنای تسلیح سازماندهی مستقل توده ها، تحت رهبری نیرو های انقلابی و تشکل آنها در ارگانهای توده ای یعنی چه و تفاوت ماهوی میان این جنگ و جنگ دولتهای ایران و عراق در چیست؟ آنها در ذهن خود الگوهای ساخته اند و منتظرند که هر کس حاکمیت را ضد خلقی دانست، آن الگو را پیاده کند. "کمیته مرکزی" در جای دیگر از همین نوشته خود، در استدلالات مناقضاتی یافته است و با تعجب و حیرت می گوید: آنها از حکومتی که آن را ضد خلقی می دانند طلب می کنند که توده ها را برای مقابله با تجاوز بیگانگان به حرم جمهوری "ضد خلقی" اسلامی ایران مسلح کنند و به جنگ با رژیم عراق بفرستند" واقعا که "کمیته مرکزی" در اینجا کودبی خود را با شکار ترسین وجهی نشان داده است آیا نیرو های انقلابی حق دارند که به منظور افسای حاکمیت، بمنظور کشتن توده ها بمبارازهای جدی، برای افسای ضد انقلاب حاکم و بمنظور زدودن توهمات توده های نا آگاه بگویند شوراهای دیگر ارگانهای توده های را مسلح کنید، توده ها را مسلح کنید و دقیقا این راه حاکمیتی ضد خلقی بگویند؟ حاکمیتی که به این خواسته های توده ها جامه عمل نخواهد پوشاند؟ ما پاسخ میدهیم آری. نیروهای انقلابی باید چنین کنند. نمونه یک چنین برخوردی را در این به هنگام شورش کورنیلف با دولت ضد انقلابی و ضد خلقی کورنیکو کردیم می گوید: "میلیکوف را دستگیر کنید، کارگران را مسلح کنید، سربازان کورنیلف را بکشید، پطروگراد را خوانید، دوما را منحل کنید، رودزیا نکورادسکیو را بکشید، انتقال املاک کاربایی به دهقانان را فائق کنید، کنترل کارگران بر غله و کارخانه ها را معمول دارید و غیره و غیره. ما باید این مطالبات را نه تنها به کورنیکو و نه آنقدرها به کورنیکو که به کارگران، سربازان و دهقانان که سر مبارزه علیه کورنیلف آنان را در خود غرقه

است که جنگ را به یک جنگ داخلی علیه رژیم عراق تبدیل کنند. اما در ایران که توده های نا آگاه به حاکمیت اعتماد دارند و نمی توان یک چنین شعاری را مطرح کرد، وظیفه کمونیستهاست که ماهیت جنگ را از جانب رژیم ایران افسا کنند. در جنگ دولتهای ایران و عراق شرکت نکنند، اما در همان حال باید بتوانند وظیفه خود را بعنوان یک کمونیست در حین جنگ انجام دهند. پرولتاریا و توده های زحمتکش را برای رسیدن به هدف نهایی سازمان دهند و از حقوق زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران دفاع کنند. ما در اتحاد تاکتیکی خود باید یک مسئله را نیز در نظر داشته باشیم و آن بحران عمیق اقتصادی و سیاسی است که از قبل از جنگ، جامعه ما بدان گرفتار بوده است و جنگ بدان دامن خواهد زد. ما باید از این جنگ بعنوان زمینه مساعدی در شرایط بحران کنونی در جهت وظایف انقلابی خود استفاده کنیم، ما به توده های گریخته هر دو دولت سیاسی ستمگرانه نسبت به شما در پیش گرفته و هر دو شمارا سرکوب می کنند و در رابطه با مسئله جنگ برخوردی فعال می کنیم ما در مبارزه توده ها شرکت می کنیم و در مناطق جنگی با توجه به شکل مبارزه توده ها، آنها را بمنظور مقابله با هر گونه ستم و تجاوزی نسبت به حقوقشان مستقلا سازماندهی و مسلح می کنیم، دفاع مسلحانه را طرح مینماییم. در مناطقی که ستم رژیم ضد خلقی عراق جایگزین ستم دولت جمهوری اسلامی شده است و یا توده ها بیشتر از پیش در معرض ستمگری رژیم عراق قرار می گیرند، با توجه به شرایط مناسب و شکل مبارزه توده ها علیه ستم رژیم عراق حاکمیت علیه ستمگری رژیم عراق و تجاوز به حقوق توده ها مبارزه می کنیم و توده ها را در ارگانهای توده ای متشکل کرده و در جهت دفاع مسلحانه سازماندهی می کنیم و در همان حال حاکمیت را افسا می کنیم. دفاع مسلحانه از حقوق توده های زحمتکش و خلقهای تحت ستم، سازماندهی آنها در ارگانهای توده ای و مسلح نمودن آنها، در بطن خود بر سمیت شناختن حق خلق مسلح در تعیین سرنوشت خود است. ما در کنار توده ها و خلقهای تحت ستم ایران علیه هر گونه ستم و تجاوزی مبارزه می کنیم و خوب میدانیم که تنها توده مسلح میتواند بر سرنوشت خویش حاکم باشد. این است موضعی که ما در جنگ اتخاذ کرده ایم و "کمیته مرکزی" نمی تواند آنرا درک کند، آنها اساسا

جدیدا بحساب آورد. کورنیکو را در حال حاضر سرنگون نخواهیم کرد. وظیفه مبارزه علیه وی را بگونه ای دیگر عملی می کنیم. یعنی به مردم (کسانی که علیه کورنیلف می جنگند) ضعفها و تزلزل های کورنیلف را نشان خواهیم داد. این در گذشته هم انجام شده است. می بینیم که در استجالیست شدیدا کسانی که سیاست دفاع طلبی و یا حمایت از دولت موقت ضد انقلابی را پیش گرفته اند حمله می کنند لنین می گوید: از دولت ضد انقلابی کورنیلف نباید حمایت کرد، اما در جنگ ضد انقلاب کورنیلفی و شرکت کرد. باید علیه کورنیلف جنگ کنید، اما کورنیلف را افسا کرد. بنظر میرسد که همین چند نمونه نیز کافی باشد تا بی اعتباری ادعای "کمیته مرکزی" را مبنی بر اینکه هر کس حاکمیت را ضد خلقی میدانند، باید قبل از همه تفنگ خود را متوجه آن سازد، نشان دهد. تنها کسانی که اساسا درکی از مارکسیسم ندارند و یا خوش خدمتی به حاکمیت را پیشه ساخته اند می توانند دست به چنین تحریفاتی در مارکسیسم بزنند و سیاستهای سازشکارانه خود را توجیه نمایند. ما همانگونه که قبلا متذکر شدیم جنگ دولتهای ایران و عراق را جنگی غیر عادلانه میدانیم، در این جنگ هیچیک از دو دولت نقش مترقیانه ای ندارند، این جنگ نه در خدمت منافع توده های زحمتکش است و نه جنگی است برای رها سازی ملی. اما علاوه بر این با توجه به وضعیت اقتصادی - اجتماعی آنها در ذات سیاستهای دولت نیست، که یکی فصد برده کردن ملت دیگری را داشته باشد و اساسا این جنگ با چنین هدفی آغاز نشده است، بنا بر این از این جهت نیز جنگ عادلانه و دفاع از میهن نیست. نمی تواند مطرح باشد البته این امکان را نیز بکلی منکر نمی شویم که در شرایطی ممکن است این جنگ به یک جنگ ملی و عادلانه تبدیل شود. پس چگونه موضعی باید در قبال این جنگ ما هیئت از تجاری و غیر عادلانه اتخاذ کرد؟ ما در "کار" ۷۸ پارچوب موضع خود را نسبت به این جنگ بازگو کردیم. وظیفه کمونیستهای ایران و عراق است که ماهیت این جنگ را برای توده ها افسا کنند، بهیچیک از دو طرف ملحق نشوند و سیاست های تجاوزکارانه آنها را محکوم کنند. ما بلاخره خاطر نشان ساختیم که اگر در عراق شرایط عینی مهیاست وظیفه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی عراق

کرده است ارائه دهیم. باید اشتیاق آنان را زنده نگه داریم، تشویقشان کنیم که با ترالها و افسارتی که با کورنیلف همدست شده اند، حسابشان را تصفیه کنند... اشتباه است که تصور کنیم از وظیفه کسب قدرت به وسیله پرولتاریا دورتر گشته ایم. خیر بسیار به آن نزدیک شده ایم نه مستقیما بلکه از پهلو، در حال حاضر ما نباید آنقدرها مستقیم علیه کورنیلف مبارزه کنیم که غیر مستقیم، باید چنین کنیم، یعنی از طریق مطالبه جنگی حقیقا "انقلابی و هر چه فعالتر علیه کورنیلف، تنها توسعه این جنگ قادر است ما را به قدرت برساند... ما باید بی امان علیه عباراتی چون دفاع از کشور، جبهه متحد دمکرات های انقلابی، حمایت از دولت موقت و غیره و الگ مبارزه کنیم، چرا که اینها تنها عباراتی توخالی اند... جنگ علیه کورنیلف باید به شیوه ای انقلابی رهبری شود، از طریق به عرصه کشاندن توده ها، از طریق بیدار کردن آنان و برافروختنشان (کورنیکی از توده های می ترسد، از مردم می ترسد)... "کمیته مرکزی"، کیچ سر اکنون باید در کمر کرده باشد که چگونه باید این شعار را مطرح کرد که توده ها را مسلح کنید! آن ها را در ارگانهای توده ای مسلح کنید! بعوض ارتش ارگانهای توده ای را مسلح کنید، این است سیاست درستی که در شرایط کنونی ما در پیش گرفته ایم. پس این تناقض نیست، تناقض در توجیهات شونیستی "کمیته مرکزی" است که کمربند بورژوازی بسته است. بینیم چگونه؟ آنها از یکسو جنگ را جنگ انقلابی رژیم جمهوری اسلامی علیه امپریالیسم آمریکا، علیه ضد انقلاب می دانند و معتقدند "جنگ عراق با ایران جنگی میان انقلاب ایران و ضد انقلاب عراق و... جنگ رژیم عراق با دولت جمهوری اسلامی ایران جنگ رژیمی است که با ضد انقلاب ایران (ارتجاعی ترین محافل ایران) وابسته به امپریالیسم که عراق را پناهگاه و پایگاه و پایگاه خود تبدیل کرده اند (علیه انقلاب ایران متحد شده است) اما چند سطر بعد نتیجه می گیرد که این جنگ منجر به تقویت ارتش گشته و "پروسه گسترش مبارزه طبقات را تخریب خواهد کرد. جنگ روی رشد آگاهی توده ها تا ثیرات منفی و مخرب باقی می گذارد" و در جای دیگر مینویسد: "این جنگ حتی اگر به پیروزی ایران بر عراق منجر شود باز هم مجموعه ای بی آمدهای آن برروند و رشد

توضیح

این شماره "کار" در بیست صفحه چاپ شده است اما در صفحه اول به اشتباه ۲۲ صفحه ذکر شده است که بدینوسیله تصحیح میشود.

مبارزه آیدئولوژیک علی گامی است در جهت جنبش کمونیستی